

نشست‌های علمی - تخصصی پژوهشکده حج و زیارت

مطالعات راهبردی

(۹)

حج و حقوق زائران با تمرکز بر ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل

تهیه و تنظیم: محسن محمدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پژوهشکده حج و زیارت برگزار می کند

حج و حقوق زائران



نشست
علمی

با حضور استاد:

حجت الاسلام والمسلمین سیدمصطفی میرمحمدی

(دعترای حقوق بین الملل)

زمان: چهارشنبه / اول آبان ماه ۹۸ / ساعت ۱۰ صبح

مکان: ۷۵ متری عمارپاسر / خیابان شهید قدوسی / نبش کوچه ۱۱
ساختمان حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت / طبقه ۵



دسامبر



تولید علم و پیشبرد آن منحصر در تدوین کتاب یا مقاله نیست، بلکه بسیاری از قدم‌های مؤثر در کرسی‌های آزاداندیشی و نشست‌های علمی برداشته می‌شود. از این رو پژوهش‌کننده حج و زیارت - همسو با اهداف پژوهشی تعیین شده و تولید آثار متعدد و متنوع، در قالب کتاب، مقاله، نرم‌افزار و... اقدام به برگزاری نشست‌های علمی با حضور نظریه‌پردازان و اندیشمندان عرصه حج و زیارت کرده است.

یکی از عرصه‌های مهم مطالعاتی در این مورد، مطالعات راهبردی است که توجه ویژه‌ای به سیاست بین‌الملل، ژئواستراتژی، دیپلماسی و همکاری‌های بین‌المللی، اهداف و ساختارهای سازمانی، محیط‌کاوی راهبردی و بررسی مسائل در راستای تحقق مأموریت‌ها در عرصه حج و زیارت دارد. مطالعه راهبردی به تبیین و تجویز

یک رشته راهبردها، الگوها و طرح های راهبردی می پردازد و به دنبال ایجاد زاویه دید و ایجاد نگاه های کلان برای مدیران، سیاستگذاران و کارشناسان است. مطالعات راهبردی مبتنی بر روش تعاملی و گفت و گو محور است و مطالعاتی کلان محسوب می شود. از این جهت با برگزاری نشست ها و میزگردهای علمی تناسب زیادی دارد.

در این نشست ها آخرین نظریه پردازی ها در موضوع حج و زیارت مطرح و در حضور فرهیختگان حوزه و دانشگاه، روحانیون کاروان ها و نیز متخصصان رشته مربوطه، بررسی و تحلیل شده است. پژوهشکده حج و زیارت ضمن قدردانی از نظریه پردازان، نقادان و شرکت کنندگان در این نشست ها، مباحث یاد شده را در قالب کتابچه منتشر می کند تا مورد استفاده علاقه مندان و دانش پژوهان عرصه حج و زیارت قرار گیرد و روزه ای برای اندیشه های نو و نظریه پردازی های جدید در این عرصه شود. امید است این زحمات مقبول حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام قرار گیرد.

معاونت پژوهش

پژوهشکده حج و زیارت



زیارت و گردشگری دینی^۱



۱. این نوشتار بازنویسی دو نشست علمی در مورد ابعاد حقوقی حج و زیارت است که توسط حجة الاسلام دکتر محسن محمدی تهیه، تنظیم و مستندسازی شده است:

الف) «حج و حقوق زائران» که توسط دکتر میرمحمدی در تاریخ چهارشنبه، اول آبان ۱۳۹۸، در پژوهشکده حج و زیارت برگزار شد.

ب) «نگاهی به موازین و رویه‌های جاری برای حمایت از حقوق زائران/گردشگران مذهبی در سطح جهانی، راهبردها و راهکارهای قابل بهره‌برداری در جهان اسلام» که در تاریخ چهارشنبه ۹۸/۱۱/۱۶ با مشارکت پژوهشکده حج و زیارت و کمیسیون حقوق بشر اسلامی برگزار شد. در این نشست جناب آقای دکتر لسانی (استاد حقوق بین‌الملل و عضو هیئت علمی دانشگاه حضرت معصومه علیها السلام) در موضوع «قواعد بین‌المللی در حقوق گردشگران با تمرکز بر گردشگران مذهبی» و «حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر قائمی (حقوق عمومی) در مورد «رویه‌های جاری در حمایت از حقوق زائران» و جناب آقای دکتر مشهدی (استاد حقوق عمومی دانشگاه قم) در مورد «سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی حقوق گردشگری» سخنرانی کردند.

زیارت مهم ترین انگیزه در گردشگری دینی

با توجه به تأثیر و جایگاه سفر و جابجایی اقوام در تاریخ تمدن بشری،^۱ گردشگری موضوع جدیدی نیست و با تاریخ و فرهنگ انسان ها گره خورده و همزاد بوده است.^۲ از این جهت تاریخ سفر و گردشگری به قدمت تمدن بشری است و دین و مذهب از مهم ترین اصول و مؤلفه های تمدن بشری است. بنابراین گردشگری دینی همپای تاریخ و تمدن بشری است.

گردشگری مذهبی در زمره قدیمی ترین و پررونق ترین گردشگری های گذشته و حال سراسر جهان است^۳ که فراتر از وابستگی به زمان و اوقات فراغت بوده^۴ و دشواری های

۱. رک: محمدهادی همایون، جهانگردی؛ ارتباطی میان فرهنگی: مطالعه تطبیقی الگوی غربی معاصر و الگوی اسلامی، ص ۴۹، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۱.

۲. اکرم زیارتی عزیز، «گردشگری دینی در آیات و روایات»، ص ۱، مشهد، همایش بین المللی گردشگری دینی و توسعه فرهنگ و زیارت، ۲۰۱۱.

۳. Ajjit, Kiran, Shinder, ۲۰۰۴, p۲, Contribution Find, Quest for Good Governance, Potential of Religious Institutions as Stakeholders

۴. مصطفی مؤمنی، مظفر صرافى و محمد قاسمى خوزانى، «ساختار و کارکرد گردشگری مذهبی - فرهنگی و ضرورت مدیریت یکپارچه در کلان شهر مشهد»، ص ۱۳، نشریه جغرافیا و توسعه، سال ششم، شماره ۱، ۱۳۸۷.



اقلیمی یا بدی آب و هوا نیز مانع آن نمی‌شود^۱ و قدمت آن به قدمت خود فرهنگ دینی می‌رسد. مدارک و مستندات تاریخی موجود از تمدن‌های عظیم بین‌النهرین و مصر و دیگر آثار و قرائن برجای مانده از روزگاران پیش از تاریخ، حکایت از سفرهای مذهبی هزاران انسان دارد؛ به طوری که گروه‌های متعدد انسانی در طول سالیان دراز همواره رنج فرایض دینی را بر خود هموار می‌کردند و راهی سفر دور و دراز می‌شدند. در واقع زیارت و گردشگری مذهبی ریشه در باورها و اعتقادات دینی و مذهبی دارد.^۲

اگر به تاریخ سفرها و گردش‌های مذهبی نظری بیفکنیم، به گردش‌های مذهبی - چون فریضه حج و زیارت حرم نبوی، بارگاه ملکوتی امامان شیعه در عراق، عربستان و ایران، مراسم مقدس یونانیان باستان در معابد آپولون و سفرهای مصریان برای دیدار از



۱. رحمت‌الله منشی‌زاده، اندر مقوله گردشگری، ص ۱۳۹، تهران، نشر منشی، ۱۳۸۰. همچنین ر.ک:

New Research Network for Islamic Tourism New Research. Meyer, G. (۲۰۰۴).

Islamic Tourism, Network for Islamic Tourism, ۵۱ (۱۱).

۲. مصطفی مؤمنی، مظفر صرافى و محمد قاسمى خوزانى، «ساختار و کارکرد گردشگری مذهبی - فرهنگی و ضرورت مدیریت یکپارچه در کلان‌شهر مشهد»، ص ۱۴، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۸۷.

فراعنه^۱ و ایرانیان باستان به معبد آناهیتا در کنگاور^۲ و نظایر آن - برمی خوریم که هر یک به گونه ای، قدمت و رواج این شکل از گردشگری را در میان ملل مختلف نشان می دهد.^۳ گردشگری مذهبی، پدیده نوظهوری نیست؛ بلکه قرن های متمادی است که افراد به دلایل مختلف از جمله کنجکاوی، عبادت و شرکت در مراسم مذهبی - به مکان های مذهبی و مقدس سفر می کنند. شهرهای زیارتی (مذهبی) شهرهایی هستند که اعتقادات مذهبی، قوی ترین عامل جغرافیایی در ایجاد این گونه شهرها بوده اند.^۴ مفهوم مذهب با مسائل مختلفی در ادبیات تحقیقات گردشگری ارتباط دارد؛ ولی بیشتر با عنوان زیارت از آن بحث می شود.^۵

امروزه اکثر محققان گردشگری معتقدند سفر با انگیزه مذهبی از اولین شکل های

۱. ویلیام جیمز دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام و علی پاشایی، ج ۱ و ۲، ص ۲۰۵، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.

۲. سن آرتور کریستین، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، ص ۲۳۲، تهران، انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۶۹.

۳. بهرام رنجبران و محمد زاهدی، شناخت گردشگری، ص ۷۵، چاپ سوم، اصفهان، انتشارات چهارباغ، ۱۳۸۴.

۴. احمد دیناری، گردشگری شهری در ایران و جهان، ص ۹۵، چاپ دوم، تهران، انتشارات پیام، ۱۳۸۹؛ معصومه آقاجانی و سعید فراهانی فرد، «گردشگری مذهبی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی ایران)»، ص ۴۵، فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان، سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۴.

5. Din, Kadir H. (1989), 'Islam and Tourism: Patterns, Issues, and Options', p542, 563, 'Annals of Tourism Research', vol 16 (4), 542 563.



سفر بوده است؛ برای مثال باید به افرادی اشاره کرد که سه‌هزار سال قبل در جست‌وجوی بودا و حتی پیش از آن در جست‌وجوی دیگر اشکال خدایان طبیعی سفر کرده‌اند. البته اولین اجتماعات بزرگ مذهبی و به نوعی زیارت در میان تمدن‌های سومر و عیلام اتفاق افتاد که طی آن افراد از سراسر قلمرو وارد زیگورات‌های آور، جیبرفت، چغازنبیل و... می‌شدند. بر این اساس بسیاری از مورخان گردشگری مدعی هستند مذاهب یا زیارت‌های معنوی، زیربنای گردشگری امروزی محسوب می‌شوند.^۱

در قرون وسطا بیشترین انگیزه برای سفر، سفرهای زیارتی بود. در این دوره، دیدار از کلیساهای مسیحیان نخستین اولویت مسافرت بود؛ زیرا صومعه‌های زیادی در نقاط مختلف پراکنده بودند و راهبان و کشیشان مسیحی مردم را به زیارت این مکان‌ها تشویق می‌کردند.

در سده چهاردهم، مسافرت به قصد زیارت به صورت یک پدیده انبوه و سازمان‌یافته درآمد و شبکه بزرگی از سازمان‌های خیریه به کمک طبقات مختلف اجتماعی ایجاد شد. مسیحیان به بیت‌المقدس و روم مسافرت می‌کردند و با وجود اینکه این مسافرت‌ها

۱. دالن. جی تیموتی، میراث فرهنگی و گردشگری، ترجمه اکبر پورفرج، طاهره آشتیانی، ژاله هاشم‌زاده و منا اکبری، ص ۳۸۴-۳۸۵، تهران، مؤسسه کتاب مهربان نشر، ۱۳۹۴.

اساس و رنگ مذهبی داشتند، مسافرت‌های تفریحی و اجتماعی هم به حساب می‌آمدند. نخستین مسافرت کاروانی (دسته‌جمعی) مربوط به کاروانی است که در سده پانزدهم از ونیز به بیت‌المقدس می‌رفت. مسافران پیش از سفر مبلغی برای هزینه‌های سفر پرداخت می‌کردند. نخستین نمونه غذاهای فوری امروزی را می‌توان در مسیر این مسافرت‌های پرجمعیت مشاهده کرد.^۱

پژوهشگران زیادی نیز در جهان اسلام به بررسی گردشگری دینی در کشورهای اسلامی مانند مصر،^۲ مالزی،^۳ فلسطین^۴ و ترکیه،^۵ پرداخته‌اند. البته بیشتر رویکرد آنها

۱. چاک‌وای. گی (با همکاری اِدآردو فایو - سولا)، جهانگردی در چشم‌اندازی جامع، ترجمه علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی، ص ۲۷ و ۲۸، ویرایش ۲، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۲.

2. see: Amin, Mohammad Mostafa, (2013), Religious Tourism in Egypt: A Case Study Analysis, the American University in Cairo, School of Global Affairs and Public Policy.
3. see: Siti, Anis Laderlah, Suhaimi Ab Rahman, and Khairil Awang, (2011), a Study on Islamic Tourism: A Malaysian Experience, 2nd International Conference on Humanities, Historical and Social Sciences, Singapore.
4. See: Suleiman, Jafar Subhi Hardan & Mohamed, Badaruddin, (2011), Factors Impact on Religious Tourism Market: The Case of the Palestinian Territories, International Journal of Business and Management Vol. 6, No 7.
5. See: Duman, Teoman. (2011), Value of Islamic Tourism Offering: Perspectives from the



بررسی گردشگری دینی به عنوان یکی از انواع گردشگری است و مباحث اقتصادی، مدیریتی و فرهنگی غلبه دارد.

وضعیت رو به رشد گردشگری دینی در جهان

امروزه صنعت گردشگری یکی از اقتصادی ترین فعالیتها در چرخ ملی کشورهاست که مزیت های ارتباطی، سیاسی، فرهنگی و بین المللی زیادی نیز دارد؛ به همین دلیل، اغلب کشورهای جهان از این فعالیت پرجاذبه به منزله ابزاری راهبردی در جهت توسعه اقتصادی خویش استفاده می کنند. در عصر کنونی - که از آن به عصر جدید معنویت نیز یاد می شود - سفرهای زیارتی و مذهبی بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است.

بوریس ووکونیچ در زمینه گردشگری مذهبی به بررسی تأثیرات اقتصادی و فرهنگی آن پرداخته و نقش دولت ها را در حمایت مادی و معنوی در این زمینه بررسی کرده اند.^۱

Turkish Experience، World Islamic Tourism Forum، Kuala Lumpur، Malaysia.

1. Vukonic B. (1998). Religious Tourism: Economic Value or an Empty Box?، p83 94، Zagreb International Review of Economics & Business، 1(1).

در این رهگذر، آرسن موضوع را از جنبه حمایت فرهنگی بررسی می‌کند.^۱ همچنین دی جیووین نقش حمایت‌های مادی و معنوی را در توسعه کشورها از منظر گردشگری فرهنگی مؤثر می‌داند و بر فرهنگ‌سازی در این زمینه تأکید می‌ورزد.^۲

امروزه بازدید گردشگران از اماکن مقدس - مانند زیارتگاه‌ها، مقابر و امامزاده‌ها - در چارچوب گردشگری مذهبی، یکی از مهم‌ترین انواع گردشگری به شمار می‌آید و فواید آن به لحاظ اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی برای مردم و دولت هر کشور شایان توجه است؛ زیرا از طریق گردشگری مذهبی می‌توان ضمن حفظ یادمان‌های تاریخی و مذهبی، زمینه ارتقای شناخت جامعه بین‌المللی را فراهم کرد و در پس این شناخت، ظرفیت‌گفت‌وگوهای بین‌دینی و توانایی تقویت همزیستی مسالمت‌آمیز در جامعه جهانی را فراهم آورد.

گردشگری دینی در بیشتر کشورهای جهان در حال افزایش است و علاقه مردم

-
1. Arsene, O. (2008). The Impact of Culture on Tourism: Case Study of Romania, Oltenia Project (Bucharest Romania), www.oecd.org.
 2. Di Giovine, M.A. (2010). Religious Tourism as Material and Cultural Revitalization in Pietrelcina, p271 288. Italy 3.



به دیدار از مکان های دینی بیشتر شده است.^۱ بررسی های نولان نشان می دهد بیش از ششصد زیارتگاه کاتولیک در اروپای غربی وجود دارد که بیش از نیمی از آنها به مریم مقدس اشاره دارد.^۲ دیگنس و کوساک درباره گردشگری مذهبی معتقدند زیارتگاه های قدیمی برای آنان که در جست و جوی اهداف معنوی هستند، هنوز هم مانند آهن ربا عمل می کند و زیارتگاه های جدید نیز در حال جذب افراد با ایمان از همه نقاط جهان است.^۳ روند رو به افزایش گردشگری مذهبی در جهان امروز، تمامی ادیان و مذاهب سراسر جهان را در بر می گیرد. مهم ترین نقاط گردشگری جهان را می توان در اروپا، آسیا و خاورمیانه جست. افزایش تعداد گردشگران اماکن زیارتی در اروپا - از جمله واتیکان در رم - در چند سال گذشته، مورد توجه کارشناسان گردشگری سراسر جهان قرار گرفته است.



۱. میرنجف موسوی، ناصر سلطانی و علی باقری کشکولی، «تحلیلی بر نقش مذهب در توسعه گردشگری مذهبی»، ص ۸۲۷، پژوهش های جغرافیای انسانی، زمستان ۱۳۹۳، دوره ۴۶، شماره ۴.

2. Nolan, M.L. and; Nolan, S.1989, Christian Pilgrimage in Modern Western Europe, Chapel Hill, p 125, The University of North Carolina Press.

3. Digance, J.and Cusack, C., 2002, Glastonbury: A Tourist Town for All Seasons, In Dann, G, M, S(ed), p87, The Tourist as a Metaphor of the Social World, Wallingford: CAB International

آسیا و اقیانوسیه را - با توجه به اماکن مذهبی ادیان مختلف - باید برخوردار از مهم ترین جاذبه های زیارتی و گردشگری مذهبی در دنیا دانست؛ به گونه ای که مهد ادیان بزرگ الهی چون اسلام، مسیحیت، یهودیت، بودیسم، هندویسم و تائوئیسم در این منطقه قرار گرفته و سازمان جهانی گردشگری در گزارش خود در سال ۲۰۱۱ انعان داشته است که بیش از نیمی از زائران و گردشگران مذهبی به این منطقه سفر کرده اند. عربستان، ایران، عراق، تایلند، هند، کامبوج و سریلانکا از مهم ترین مقاصد گردشگران مذهبی در آسیا هستند. در حال حاضر، کشورهای ایران، سوریه، عراق و عربستان چهار کشور مقصد زیارتی خاورمیانه هستند.



صاحب نظران صنعت گردشگری بر این باورند که به لحاظ موقعیت فرهنگی و مذهبی خاص ایران در میان کشورهای اسلامی، گردشگری مذهبی جای رشد و توسعه بسیاری در ایران دارد؛ به خصوص اینکه زیارت، هدف اول سفر بسیاری از مسلمانان و شیعیان است. با این وجود، در عرصه بازار توریسم مذهبی کشورهای چینی، مصر، ترکیه و مالزی از میان کشورهای اسلامی، در زمره کشورهای برتر در جذب

توریسم در سطح جهان به شمار می‌روند.^۱

در سال‌های اخیر، کشورهای مسلمان دیگر نیز با سرمایه‌گذاری قابل توجه برای جذب بیشتر گردشگران تلاش گسترده‌ای را آغاز کرده‌اند. گردشگری در منطقه خاورمیانه در سال‌های اخیر، روند رو به رشدی داشته است؛ چنان‌که سازمان جهانی

گردشگری از رشد سیزده درصدی گردشگری در این منطقه در سال ۲۰۱۰ نسبت به سال قبل خبر داده است.^۲ برآورد می‌شود که حدود ششصد میلیون سفر مذهبی و معنوی ملی و بین‌المللی در جهان وجود دارد. بر اساس آمار سازمان جهانی گردشگری، شصت درصد از جمعیت جهان مناسبی از ادیان را عمل می‌کنند.^۳

تخمین‌های انجمن سفرهای مذهبی دنیا،^۴ سال ۲۰۰۹ سفرهای دارای انگیزه



1. Okhorat, H. (2010). Case study Iran, p302, International of Academic Research, 2(5).
2. The Economist (2013). Religious tourism: pennies from heaven (Pilgrimages are a big business . and getting bigger), The Economist, The Economist Newspaper limited, (Oct. 12th), Accessed on Oct 2014.
3. World Tourism Organization (UNWTO) (2011). Religious Tourism in Asia and the Pacific, Madrid, Spain.
4. World Religious Travel Association.

مذهبی را سالانه حدود ششصد میلیون نفر نشان داده است. اگرچه این تخمین محافظه کارانه است، اما اهمیت جدی گردشگری مذهبی را در سراسر دنیا نشان می دهد. جست و جوی حقیقت روشنفکری یا تجربه الهی یا مقدس، مردم را به سوی سفر به محوطه های مقدس هدایت می کند و بر حسب آیین و شعائر مذهبی، آنان را از فضای زندگی روزمره جدا می سازد. سفری که مذهب موجب آن می شود، به طور فراوانی طی پنجاه سال گذشته رشد کرده است. این امر سبب تعجب بسیاری از کسانی شده که می پنداشتند زیارت مذهبی در حال از دست دادن اهمیت اجتماعی و نهادی است. در تضاد با باور بسیاری، به نظر می آید زیارت مذهبی در دوران مدرن، حاصل پیشرفت تصاعدی غرب در تمدن پیچیده مدرن مبتنی بر علم، فناوری و خرد باشد تا مبتنی بر معجزه، مذهب و خلاف منطق.^۱ به علاوه فرهنگ پست مدرن، خصوصی سازی مذهب و قابلیت انجام زیارت های رایانه ای^۲ باید مردم را به سمت مشارکت در شکل های



1. Campo, J.E., 1998, American Pilgrimage Landscapes, p 40 56. Annals of the American Academy of Political and Social Science 558.
2. Inoue, N., 2000, From Religious Conformity to Innovation: New Ideas of Religious Journey Holy Places, p21 32. Social Compass 47 (1); Kong, L., 2001, Religion and Technology: Refiguring Place, Space Area 33(4), Identity and Community, p404 413.

انعکاسی، بدون وساطت سفر معنوی، هدایت کند؛ نه به سوی زیارت‌هایی که اعتبار تجربه‌های آنها تا حدی وابسته به نهادها و ساختارهای کلیسایی است.^۱ به نظر کوستنی زیارت به جای کم شدن، با سرعت بسیاری در حال افزایش است.^۲ این امر را می‌توان در اروپا مشاهده کرد که در آن، دیدار از محوطه‌های مذهبی در حال افزایش است. در مقابل، حضور منظم مردم در کلیسا کاهش یافته است.^۳ این ازدیاد دوباره جهانی زیارت، به دلایل فراوانی صورت گرفته است. برخی از این دلایل عبارت‌اند از: نمودار شدن بنیادگرایی،^۴ عقب‌نشینی بعضی از اعتقادهای مذهبی در برابر



1. York, M., 2002, Contemporary Pagan Pilgrimages, in W.H. Swatos and L. Tomasi (eds) From Medieval Pilgrimage to Religious Tourism, Westport, CT: Praeger, CT; Sharf, R.H. 1998, Experience, Critical Terms for Religious Studies, in M. C. Taylor (ed), Critical Terms for Religious Studies, Chicago: University of Chicago Press Chicago.
2. Kosti, F., 1998, The Enchantment of Religious Tourism: the Case of Mount Athos, p5, Greece, Variety Studies 15(4).
3. Nolan, M.L. and Nolan, S., 1992, Religious Sites as Tourism Attractions in Europe, p 127, Annals of Tourism Research 19.
4. Friedland, R., 1999, When God walks in History, p17 22, Tikkun 14(3); Riesebrodt, M., 2000, Fundamentalism and the Resurgence of Religion, p 266 287, Number 287; Stump, R. W., 2000, Boundaries of Faith: Geographical Perspectives on Religious Fundamentalism, p 187, Lanham, MD: Rowman & Littlefield, Lanham.

شکل های سنتی معنویت قرون وسطایی و تشریفات مذهبی، سرمایه گذاری رو به رشد در زیرساخت حمل و نقل انبوه،^۱ جهانی شدن مکانی از طریق وسایل ارتباط جمعی^۲ و چرخش اخیر هزاره.۳

این امر تا حدی حاکی از افزایش تعداد کسانی است که در جست و جوی پاسخی برای پرسش های اساسی درباره موجودیت بشر هستند؛ پرسش هایی از قبیل: معنای زندگی چیست یا به طور ویژه تر معنای زندگی من چیست؟^۴ همچنین این امر دیدگاه برخی از پژوهشگران را تأیید می کند که تعداد رو به رشدی از مردم، حس بی ریشگی را تجربه می کنند؛ به ویژه کسانی که در زندگی اجتماعی پست مدرن غربی غوطه ور



1. Griffin, J., 1994, Order of Service, p30 32, Leisure Management 14(12).
2. Koskansky, O., 2002, Tourism, Charity, and Profit: the Movement of Money in Moroccan Jewish Pilgrimage, p359 400, Cultural Anthropology 17(3).
3. Olsen, D.H. and Timothy, D. J., 1999, Tourism 2000: Selling the Millennium, p389 392, Tourism Management 20.
4. Olsen, D.H. and Guelke, J.K., 2004, Spatial Transgression and the BYU Jerusalem Center Controversy, p 503 515, Professional Geographer 56(4); Clark, M., 1991, Developments in Human Geography: Niches For a Christian Contribution, p 339 345, Area 23(4).

هستند؛^۱ کسانی که در تکاپوی آن اند که خودشان باشند و به دیگران نیز معنا و مفهوم ببخشند.^۲

رواج سفر مذهبی را نه تنها در افزایش سفر با انگیزه مذهبی به محوطه های مقدس می توان مشاهده کرد، بلکه در ترکیب معنویت عصر جدید با سفر مذهبی نیز می توان دید.^۳



1. MacCannell, D., 1973, Staged Authenticity: a Arrangements of Social Space in Tourist Settings, p589 603. American Journal of Sociology 79(3); Lowenthal, D., 1997, The Heritage Crusade and the Spoils of History, p218, London: Viking, London.
2. Voyé, L., 2002, Popular Religion and Pilgrimages in Western Europe, p23, in W.H. Swatos and L.Tomasi (eds) From Medieval Pilgrimage to Religious Tourism, Westport, CT: Praeger, CT.
3. Rountree, K., 2002, Goddess Pilgrims as Tourists: Inscribing Their Body through Sacred Travel, p496 475. Sociology of Religion 63(4).

حج و حقوق زائران

دکتر میر محمدی



دلایل اهمیت مباحث حج و حقوق

چند دلیل - که می تواند هم داخلی و هم برون مرزی باشد - باعث شده است مباحث حج و حقوق قوت بگیرد. این دلایل بدین شرح است:

۱. تقریباً دو دهه است که از عصر مذاهب پنج گانه وارد مذاهب ثمانیه شده ایم؛ چنان که سازمان همکاری اسلامی هشت مذهب را به عنوان مذهب رسمی اعلام کرده و مطالعات و پژوهشها در برنامه های این سازمان و حتی در برنامه های مجمع فقه

اسلامی بر اساس مذاهب هشت‌گانه است.

۲. صنعت حمل‌ونقل آسان، و امکان حضور افراد از نقاط مختلف جهان به سرزمین حجاز فراهم شده است. پیش از اختراع هواپیما، حضور مسلمانان کشورهای غربی و حتی برخی کشورهای اسلامی در حج بسیار دشوار بود. آمار چندمیلیونی زائران خانه خدا در سال‌های اخیر با آمار چندصدهزار نفری در هفتاد یا هشتاد سال گذشته قابل مقایسه نیست.

۳. گسترش حج سبب تجاری‌سازی حج، به خصوص در بخش حمل‌ونقل، شده است. بانک‌های کشورهای اسلامی و بانک توسعه اسلامی در حج سرمایه‌گذاری می‌کنند. صنعت مسکن و همچنین ساخت‌وسازهایی که در حرم و احیاناً هتل‌ها انجام می‌شود، یکی از عرصه‌های سرمایه‌گذاری است. فراتر از کشورهای اسلامی، کشورهای اروپایی هم در حرمین سرمایه‌گذاری می‌کنند.

۴. برخی از محققان معتقدند برخلاف گذشته که حج بیشتر مردانه بود، امروز سهم زنان در حج بالا رفته است.

۵. حوادثی در دهه‌های گذشته در مراسمات حج اتفاق افتاد که در صدر اخبار جهان



قرار گرفت. مهم ترین این حوادث حادثه مناسبت. این حادثه در سطح بالایی پوشش داده شد.

۶. حوزه مطالعات حج فراتر از فضای ایرانی است. با وجود فعالیت هایی که بعثه مقام معظم رهبری به ویژه پژوهشکده حج و زیارت - انجام داده است، فراتر از این پژوهشکده هم در سطح بین المللی فعالیت های خوبی انجام می گیرد. مصر کانون این مباحث است. اخیراً با توجه به محدودیت هایی که عربستان برای زائران قطری ایجاد کرده، قطر نیز پژوهش هایی را در مصر و مالزی در مورد مدیریت بین المللی حج آغاز کرده و معتقد است باید در خصوص اداره بین المللی حج فکری کرد و رفتار سیاسی عربستان باید کنترل و نظارت شود. عربستان از این پژوهش ها ناراضی است.

پس از اینکه قطر به جمع خواستاران بین المللی کردن حج پیوست، وزارت خارجه سعودی رسماً بیانیه ای صادر کرد و هرگونه بحث از اداره بین المللی حج را اعلان جنگ با دولت عربستان سعودی دانست. حساسیت عربستان سعودی به اداره بین المللی حج، اهمیت این گونه مسائل را نشان می دهد که تا چه اندازه سیاسی و تا چه میزان عمومی است.



دشواری پژوهش در مباحث حج و حقوق

ورود در مباحث حج و حقوق کار آسانی نیست؛ زیرا با سه مفهوم بسیار گسترده مواجه ایم:

۱. مقوله دین

حج، حقیقت شرعی دینی و از نمادهای ادیان است. حج از حضرت ابراهیم علیه السلام به پیامبر رسیده و به عنوان یک شعار یا یک عرف بین المللی اسلام، در جهان ثبت شده است؛ مانند کنوانسیون ۱۹۶۱ وین^۱ که یک سند بین المللی در مورد دیپلمات ها و سفارتخانه های خارجی است و همچنین یک معاهده بین المللی که دیپلمات ها و سفرا را از مصونیت برخوردار می کند.

دولت سعودی در مذاکرات مربوط به این کنوانسیون، سندی به جا گذاشته است که مهم است. طبق این کنوانسیون، سفیران در هر کشوری که هستند، می توانند در مناطق کشور

۱. ایرانی ها با این کنوانسیون، به علت سابقه انقلاب ایران و اعتراض امام نسبت به برخوردار شدن سربازان آمریکایی از این کنوانسیون، آشنا هستند. آمریکایی ها قصد داشتند (در سال ۱۳۴۱) سربازان خارجی را از این کنوانسیون برخوردار کنند که امام فرمود این به نوعی کاپیتولاسیون است و اعتراض کرد.

تردد کنند (اصل آزادی و رفت و آمد نمایندگان سیاسی در درون یک کشور). عربستان سعودی به این اصل اعتراض کرد و گفت ما نمی توانیم اجازه دهیم سفرای غیر مسلمان در مکه و مدینه و مشاعر حضور داشته باشند. جالب است که حتی در قرارداد مودتی که بین آمریکا و عربستان منعقد شد، حضور سفرا و کنسول های آمریکایی در این منطقه ممنوع شد.

استدلال دولت عربستان این بود که در این سرزمین بیش از هزار سال است که مراسم حج برگزار می شود و مراسمی که در اینجا برگزار می شود، متعلق به دولت سعودی نیست؛ بلکه یک عرف هزارساله است و بقیه جوامع اسلامی نسبت به حضور غیر مسلمان در این سرزمین حساس خواهند بود. دولت عربستان سعودی مدرکی ارائه کرده که این منطقه، در عرف و حجی که اینجا برگزار می شود، متعلق به کل جوامع اسلامی است.



۲ و ۳. مقوله سیاست و مقوله حقوق

بدون شک از گذشته تا امروز حج هم اهداف سیاسی و هم اهداف حقوقی داشته است؛ البته پس از انقلاب اسلامی ایران بر ابعاد سیاسی حج بیشتر تأکید شده است؛ چنان که مراسم برائت از مشرکان و استفاده از فرصت حج در سیاست های حج جمهوری

اسلامی ایران به صورت برجسته مطرح است؛ هرچند از طرف مقابل با مقاومت‌هایی مواجه است. بنابراین باید بررسی شود تا چه میزان می‌توان از ظرفیت سیاسی و بین‌المللی حج استفاده کرد.

آقای بیانچی، از پژوهشگران غربی، کتابی با عنوان *guest of god* (مهمانان خدا) و مقالاتی در مورد ابعاد سیاسی و بین‌المللی حج در سطح بین‌المللی نوشته است.^۱



۱. آقای دکتر رابرت بیانچی (بیانکی)، دانشمند علوم سیاسی، وکیل حقوق بین‌الملل و اقتصاد سیاسی در چین و جهان اسلام و مشاور چندین سازمان دولتی و مؤسسه اقتصادی بین‌المللی است. وی در دانشگاه‌های شیکاگو، نانجینگ چین، قطر، پنسیلوانیا و دانشگاه آمریکایی قاهره تدریس می‌کند. کتاب‌های قبلی او عبارت‌اند از: جهانی شدن اسلامی: حج، سرمایه‌داری، دموکراسی و دیپلماسی (انتشارات World Scientific Publishers، ۲۰۱۳)، مهمانان خدا: حج و سیاست در جهان اسلام (انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۲۰۰۴)، اصناف سرکش: حیات ارتباطی مصر در قرن بیستم (انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۱۹۸۹) و گروه‌های ذی‌نفع و توسعه سیاسی در ترکیه (انتشارات دانشگاه پرینستون، ۱۹۸۴).
دکتر بیانچی، به سبب علاقه‌اش به حج، با مسافرت به کشورهای اسلامی و دیدار با مسؤولان حج و مطالعات عمیق درباره تاریخ این کشورها، تلاش کرده پژوهشی علمی در این باره انجام دهد. مسیر راه‌های حجاج و نیز تعداد حجاج کشورهای مسلمان و مراسم و آیین‌های مرتبط با زائران و نیز سیاست کشورهای مسلمان درباره شهروندان خود، از جمله ویژگی‌هایی است که رابرت آر بیانچی در کتاب میهمانان خدا تحلیل و بررسی کرده است.
این کتاب برای نخستین بار در سال ۲۰۰۴ توسط انتشارات آکسفورد با مشخصات زیر منتشر شد:

Guests of God: pilgrimage and politics in the Islamic world. By Robert R. Bianchi. Oxford: Oxford University Press, 2004.

هرچند کتاب ایشان به زبان عربی ترجمه، و در سطح گسترده‌ای چاپ شده است، ولی شاید از نظر متون انگلیسی جدیدترین و مفصل‌ترین کتاب در مورد اهداف سیاسی و بین‌المللی حج باشد.^۱

عرصه‌های پژوهشی حقوق در حج

حقوق شاخه‌های متعددی دارد: حقوق بین‌الملل، حقوق بین‌الملل عام، حقوق بین‌الملل خاص، حقوق بین‌الملل خصوصی. اگر همه اینها ظرفیت حج پژوهی دارند، باید دانست چطور از این ظرفیت‌ها استفاده کرد.

قاعده حاکمیت

قوی‌ترین مانع در برابر هرگونه بحث سیاسی و حقوقی، حاکمیت دولت سعودی است. یک قاعده قدیمی وجود دارد که هر دولتی بر هرچه که در سرزمینش واقع است و بر هر کس که تابع آن به حساب می‌آید، حاکمیت دارد. این یک قاعده قدیمی است و

۱. این کتاب توسط پژوهشکده حج و زیارت با عنوان مهمانان خدا: زیارت و سیاست در جهان اسلام با ترجمه آقای محمدرضا حضوربخش در آذر ۱۳۹۷ منتشر شد.



همچنان در بین حقوقدانان به عنوان قاعده حاکمیت معروف است. حال سؤال اینجاست که چگونه می توان این حاکمیت را به نفع ملت‌ها تغییر داد؟ امواج مباحث حقوق بشری تا حدودی این قلعه محکم حاکمیت را تخریب کرده است؛ به همین دلیل باب مباحث حقوق زائران باز شده است.

انسان‌ها عقاید مختلف مذهبی دارند. هر کس حق دارد مذهبش را به اجرا بگذارد و به مناسک مذهبی خود عمل کند. در اینجا حقوق زیارت مطرح می‌شود. حقوق زیارت ناظر بر حق رفت‌وآمد افراد به اماکن مذهبی است. اصل بر این است که هر مکانی که مورد توجه پیروان یک مذهب است، دولتی که آن مکان را اداره می‌کند، نباید مانع زائران شود؛ مگر اینکه حضور زائران با امنیت دولت میزبان یا با حقوق اتباع دولت میزبان در تعارض باشد. تنها در این صورت آن دولت به طور قانونی می‌تواند مانع حضور مذاهب دیگر در سرزمین خود شود.

پژوهشکده حج و زیارت باید با احتیاط وارد این حوزه شود؛ زیرا با اینکه این مباحث می‌تواند برای مسلمانان ایرانی منافی داشته باشد، می‌تواند محدودیت‌هایی هم ایجاد کند.



حقوق کنسولی

یکی دیگر از مباحث مهمی که در حوزه حقوق قابل بحث است، حقوق کنسولی است که از گذشته، سازمان حج و زیارت مشغول این بحث بوده است. به هر دلیلی بین ما و مذهبی که در عربستان حاکم است، اختلافات جدی ای وجود دارد. متأسفانه این رقابت یا اختلاف هزینه های سنگینی داشته است.

موضوعی که فقط ایران می تواند آن را - به ویژه در وضعیت فعلی - تعقیب کند، نسل کشی شیعیان توسط وهابیت است؛ برای مثال نود سال پیش در ترکیه نسل کشی آرامنه صورت گرفت و همچنان اروپائیان به خاطر این موضوع به ترکیه اعتراض دارند و هر بار این موضوع را مطرح می کنند.^۱ نسل کشی توسط وهابیت در نجف و کربلا و



۱. یکی از کتاب هایی که در این مورد نوشته شده، کتاب *The banality of denial: Israel and the Armenian genocide* (بنیانگذاری انکار: اسرائیل و نسل کشی ارمنی) است. نویسنده (Auron) در این کتاب ۳۳۸ صفحه ای - که سال ۲۰۰۳ چاپ شده است - نسل کشی آرامنه را در مقابل هولوکاست مطرح می کند.

این کتاب نگرش کشور اسرائیل و نهادهای پیشرو آن در مورد نسل کشی آرامنه را بررسی می کند. نگاه اسرائیل به این موضوع از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ زیرا این کشور متشکل از مردمی است که ادعا می کند قربانی هولوکاست بودند. نویسنده به دنبال آن است که نگرش منفعلانه و بی تفاوت اسرائیل در قبال

خون‌های سنگینی که ریخته شد، پیگیری نشده است.^۱

نسل‌کشی ارمنه و اقدامات فعال اسرائیلی برای تضعیف حفظ یاد و خاطره قربانیان ارمنی را بررسی کند. گویا مقامات رژیم صهیونیستی با این کار می‌خواهند همه توجه افکار عمومی جهان را به ادعای خودشان در مورد هلوکاست جمع کنند.

نسل‌کشی ارمنی‌ها به نابودی جمعیت ارمنی ساکن سرزمین‌های تحت کنترل امپراتوری عثمانی در دوران جنگ جهانی اول (۱۹۱۵ تا ۱۹۱۷ میلادی) توسط دولتمردان عثمانی اطلاق می‌شود. این عملیات در قالب کشتارهای دسته‌جمعی و نیز تبعیدهای اجباری در شرایطی که موجبات مرگ تبعیدشدگان را فراهم آورد، انجام شد. امروزه تعداد کل قربانیان نسل‌کشی ارمنیان به طور عام بین یک تا یک و نیم میلیون نفر برآورد شده است. برخی پژوهشگران معتقدند این کار با اطلاع، کمک و همراهی آلمان نازی انجام شد. از این جهت این کشتارها، مقدمه و نمونه پیشین برای آلمان‌هایی بود که متهم به هلوکاست هستند. اسرائیل که منکران هولوکاست یهودی را محکوم می‌کند، در گناه ریاکاری برای تسهیل در انکار نسل‌کشی ارمنی‌ها شریک خواهد بود. برخی از اندیشمندان یهودی از ارمنه در به رسمیت شناختن اولین نسل‌کشی بزرگ قرن بیستم حمایت کرده‌اند.

نویسنده به سؤالات اخلاقی، فلسفی و نظری اهمیت ویژه‌ای می‌دهد. از آنجا که هیچ مطالعه قبلی به این موضوعات یا موارد مشابه پرداخته نشده است، از یک موضوع در چهار حوزه سیاسی، آموزشی، رسانه‌ای و دانشگاهی تحلیل شده است. البته برخی بر این کتاب ایراد گرفته‌اند که نویسنده، متخصص تاریخ عثمانی نیست و کتابش مستند و علمی نیست.

۱. ر.ک: محمدرضا زارع‌خویمیزی، نسل‌کشی سادات و مسلمانان شیعه، قم، پژوهشکده حج و زیارت، ۱۳۹۵. نویسنده با این فرض که پدیده کشتار جمعی شیعه در طول تاریخ وجود داشته و در قالب قتل عام پیشوایان، عالمان و اشخاص عادی شیعه تجلی پیدا کرده و به تدریج از حاکمان به فتاوی‌مفتیان متعصب و سپس



اسناد حقوقی ایران و عربستان

از سال ۱۳۰۸ که اولین سند (معاهده مودت ایران و عربستان) بین ایران و عربستان ایجاد شد تا سال ۱۳۷۹ یا ۱۳۸۶، ایران و عربستان معاهدات دوجانبه قابل توجهی داشته‌اند. سند مودت ۱۳۰۸ قدیمی‌ترین آنهاست و همچنان پابرجاست. آن سند در احقاق حق ایرانیان از طرف عربستان مؤثر است؛ چراکه یک مورد از تحلیل‌های آن سند

به باور هواداران آنها انتقال یافته و نهایتاً به بزرگ‌ترین تراژدی در تاریخ بشر تبدیل شده، اثر خود را نگاشته است. بنابراین عامل اصلی کشتار شیعیان، بیشتر سیاسی بوده تا مذهبی و بعدها با اثرگذاری سیاست، جزو اعتقاد برخی و باعث فتوای مفتیان شده است.

در این نوشتار از چهار واژه نسل‌کشی، قتل عام، کشتار جمعی و کشتار برنامه‌ریزی شده استفاده شده است. درباره واژه نسل‌کشی چنین می‌خوانیم: «نسل‌کشی برای موردی است که در آن پیر و جوان و خرد و کلان، به قصد از بین بردن هویت آنها، به قتل می‌رسند؛ نمونه آن، نسل‌کشی هزارها به دست عبدالرحمان خان جلاد در افغانستان است.»

بنابراین در این پژوهش به مصادیق نسل‌کشی، کشتار جمعی و کشتار برنامه‌ریزی شده علیه مسلمانان شیعه اشاره می‌شود و به افراد نظامی کشته شده شیعه در درگیری‌ها و جنگ‌ها نمی‌پردازد؛ مگر اینکه جنگی نابرابر برای کشتار جمعی و نسل‌کشی به آنان تحمیل شده باشد.

نویسنده در مقدمه اثر خود تصریح می‌کند مقصود از این پژوهش، ارائه گزارش کامل شهدای شیعه نیست؛ بلکه مقصود، بررسی و احصای نسل‌کشی، قتل عام و کشتار جمعی مسلمانان شیعه غیر نظامی است که البته قتل عام و کشتار اسرا پس از دادن امان به آنها را نیز شامل می‌شود.



به طور مشخص درباره حج است.

یکی از مباحثی که در احقاق حقوق ایرانیان تأثیر دارد، قوانین دولت عربستان در موعد حج است؛ برای نمونه ماده ۲۴ قانون اساسی سعودی یکی از مواردی است که به خدمت حجاج و هر کس به قصد حج و زیارت می آید، تصریح می کند.

حقوق و تکالیف زائران موضوع مهمی است. این موضوع می تواند چند وجه داشته باشد؛ برای نمونه ایران قانون منع استفاده زائران ایرانی از گذرنامه عادی در زمان حج را در سال ۱۳۷۳ تصویب کرد. این قانون در واقع یک نوع حقوق زائر است.

سیاستگذاری پژوهشی در حج و حقوق زائران

سیاست‌های بین دو کشور نباید موجب از بین رفتن حقوق شود؛ برای مثال اگر اختلاف میان ایران و عربستان حل، و روابط دوستانه شود، آیا سیاستگذاری حج ایران اجازه می دهد درباره اداره بین المللی حج بحث شود یا خیر؟ نباید سیاست ایران در این خصوص تغییر کند؛ چراکه این یک آسیب بزرگ است؛ زیرا با اینکه در عالم حقوق، سیاست هم تا حدی تأثیرگذار است، اما حقوق نسبت به سیاست مقوله جداگانه‌ای دارد.



دولت عربستان سعودی با اداره بین المللی حج مخالف است؛ ولی جوامع اسلامی در کشورهای اسلامی و حتی غیر اسلامی از آن پشتیبانی می کنند؛ برای نمونه تلویزیون بی بی سی با آقای شیخ سدید^۱ مصاحبه کرده است که چرا دولت عربستان سعودی اجازه نمی دهد علمای دیگر مذاهب در مکه نماز جماعت بخوانند؟! شیخ سدید این موضوع را به ایران نسبت می دهد. ولی بی بی سی می گوید این سؤال به ایران ربطی ندارد. فرض کنید که ایران نباشد، آیا جهان فقط حنبلی است؟! شیخ سدید از پیشنهاد بی بی سی می پرسد و آنها در پاسخ می گویند سال را تقسیم کنید و هر سه ماه یکی از مذاهب فقهی در مسجدالحرام نماز بخوانند.

گاهی نیاز است بعضی از پژوهش های مربوط به سازمان حج، برون سپاری شود؛ چراکه ممکن است خود سازمان حج در بعضی از پژوهش ها به تعارض منافع بخورد.

نظرات مختلف در مورد اداره حج

در برخی مراکز پژوهشی عربستان سعودی در مورد اداره بین المللی حج، مطالعات

۱. عبدالرحمان ابن عبدالعزیز السدید (متولد ۱۹۶۰ در ریاض)، امام جماعت مسجدالحرام، قاری قرآن و رئیس کمیته مدیریت مسجدالحرام و مسجدالنبی است. وی به مناسبت نهمین سال جایزه بین المللی سالانه قرآن مقدس دبی، به عنوان شخصیت اسلامی سال ۲۰۰۵ معرفی شد.



متعدد و عمیقی انجام شده است؛ برای نمونه آقای «عطیه عبدالحلیم صفر» در این مورد مقالات زیادی نوشته و هفت تئوری را مطرح کرده است. در مورد اداره بین المللی حج این سؤال پیش می آید که آیا باید دخالت، نظارت و حتی اجرای عربستان را به حداقل رساند یا اینکه عربستان اجراکننده مراسم حج و اماکن مقدسه باشد، ولی نظارت از بیرون هم وجود داشته باشد؟ امر دائر بین این دو است.

برخی بر این باورند که منطقه حجاز از قدیم متعلق به همه مسلمانان بوده است و امروز هم باید سایر مسلمانان در اداره آن نقش داشته باشند. عربستان هم در بیانیه^۱ و هم ملک عبدالعزیز و هم در اسناد بین المللی این نکته را بیان کرده است. بنا به قاعده استاپل،^۲ اگر کشوری به نکته ای اقرار کند، می توان او را به آن ملزم کرد. بر این اساس



۱. چنان که در صفحات پیش تر گذشت، عربستان در مخالفت با حضور نیروهای آمریکایی و اروپایی در حرمین شریفین به این نکته استدلال کرده است که این سرزمین و مناسک حج، دیرینه ای چندهزار ساله دارد و متعلق به عربستان نیست و باید حرمت نظرات و مقدسات ادیان و فرق حفظ شود.
۲. استاپل، قاعده ای است حقوقی که خاستگاه آن را باید در حقوق انگلوساکسون جست و جو کرد. بر اساس این قاعده هیچ کس نمی تواند به زبان دیگری تناقض گویی کند. این قاعده بیشتر در حقوق بین الملل کاربرد دارد؛ اما معادل آن در حقوق اکثر کشورها وجود دارد؛ برای نمونه قاعده عدم استماع انکار پس از اقرار در حقوق ایران نمونه ای از استاپل است.

می توان عربستان را به پذیرش مدیریت بین المللی حج وادار کرد.

نظرات مختلفی در مورد مدیریت بین المللی حج ارائه شده که بدین شرح است:

۱. این مکانها میراث مشترک بشریت است.^۱ بر این اساس منطقه حجاز یک سنت عرفی بین الملل اسلامی است که از قدیم بوده است. بنابراین باید از عربستان سعودی خواست و باید تعامل دیگر دولتها و نگرانیهای دیگر دولتها را به عربستان منتقل کرد. همچنین باید این فضا و آمادگی را ایجاد کرد که اداره حج از این وضعیت انحصار آمیز بیرون بیاید و یک نهاد بین المللی، شبیه سازمان ملل، آن را اداره کند.

۲. حج گزاری و امور زائران توسط جمعیت های اسلامی انجام شود و همه کشورهای

اسلامی - به خصوص آن دسته از کشورهایی که بیشترین زائر را دارند - هیئت هایی را



قاعده استاپل یا منع تناقض گویی به زیان دیگری کاربرد فراوانی در حقوق بین الملل، و نقش مؤثری در تحقق دادرسی مبتنی بر عدالت و انصاف دارد. این قاعده متضمن دو عنصر اساسی تضاد و تناقض در گفت و گو و رفتار طرفی است که مشمول استاپل است. با توجه به اینکه مبنای این قاعده، اصل ضرورت حسن نیت است، حقوق خصوصی آن را وسیله ای برای نیل به عدالت و انصاف می داند. حقوق بین الملل نیز از استاپل به عنوان اصل کلی مورد قبول ملل متمدن یاد می کند و آن را عاملی جهت تنظیم و ثبات روابط بین الملل و جلوگیری از پراکندگی و بی نظمی در آن می داند.

۱. تئوری میراث مشترک بشریت در حال قوت گرفتن است. بر این اساس فضا، دریاها و اقیانوسها که بخش زیادی از جهان را تشکیل می دهند، متعلق به هیچ دولتی نیست و میراث مشترک همه بشریت است.

جهت مداخله بفرستند و مشکلات حج از طرف آنها پیگیری و احیاناً اداره شود.

۳. همان طور که ریاست سازمان بین المللی همکاری اسلامی به صورت دوره‌ای اداره می‌شود، اداره حج یا نظارت بر حج نیز به صورت دوره‌ای به یک دولت اسلامی سپرده شود. در این نظریه به بحث حاکمیت عربستان هیچ خدشه‌ای وارد نمی‌شود. منطقه متعلق به عربستان است؛ اما هر ساله یک دولت اسلامی بر حج نظارت می‌کند.

۴. منطقه مدینه و مکه با توجه به اینکه اختصاصاتی دارند و در حقوق اسلام هم به عنوان اختصاصات حرم نامگذاری شده‌اند، به عنوان یک منطقه دینی اسلامی، شبیه واتیکان اداره شوند؛ اما از جهت حاکمیت پلیس و امنیت در اختیار سعودی باشند.

۵. اداره حرمین و مشاعر به سازمان همکاری اسلامی داده شود؛ چنان‌که سازمان همکاری اسلامی در بعضی موارد دخالت کرده است؛ ... برای مثال این سازمان و بانک توسعه اسلامی^۱ در مراسم قربانی دخالت کرده‌اند.... هدف این تئوری افزایش تدریجی دخالت‌های سازمان همکاری اسلامی است.

ظاهراً ایران طرفدار این نظریه است. عربستان سعودی هم این تمایل را دارد که

۱. این بانک، مرکز سرمایه‌گذاری کشورهای اسلامی است. بنابراین در پروژه‌های حج هم آن دسته از کشورهای اسلامی که در بانک توسعه، سهم بیشتری یا زائران بیشتری دارند، دخالت بیشتری دارند.



امور حج به سازمان همکاری اسلامی سپرده شود؛ زیرا امروزه اتحادها و سازمان‌های بین‌المللی سهم زیادی در تنظیم روابط میان مردم و دولت‌ها دارند. اگر از ابعاد حقوق بشری هم وارد مباحث حج بشویم، سازمان‌های بین‌المللی می‌توانند بهترین نقش را داشته باشند. در مورد حقوق زیارت هم همین‌طور.

راحت‌ترین راهکار برای دفاع از اماکن مقدس مذهبی در عربستان این است که از طریق NGOها و سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی این حمایت‌ها را فعال کرد؛ زیرا هر جا دولتی پشت صحنه یک قضیه باشد، با مطرح کردن اصل عدم مداخله در امور داخلی، اعلام می‌کند این امور حوزه داخلی است و هر دولتی بر اشیاء، اموال و افراد سرزمین خودش تسلط دارد؛ اما اگر از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد اقدام شود، سازمان‌های مردم‌نهاد هم در داخل و هم در بیرون کشور می‌توانند مدافعان اماکن مقدس را حمایت کنند. بنابراین از طریق فشار مردمی این هدف بهتر تأمین خواهد شد.

در برخی از این نظریه‌ها آزادی زائران مطرح است که مداخله دولت سعودی یا به تعبیر آنها سوء استفاده‌های دولت سعودی را از فرصت حج کمتر کنند تا انحصار تبلیغ فقط در اختیار وهابیت نباشد و احیاناً دولت سعودی در صدور روایید، مواضع سیاسی



خودش را دخالت ندهد (همان طور که در مورد سوریه، یمن و قطر اتفاق افتاد) یا احیاناً سهمیه بندی پانصد هزار نفری ای که هر سال متعلق به خود حاکمیت است، با نظارت بین المللی باشد.

نتیجه گیری نظرات اداره حج

به نظر می رسد هر کدام از این تئوری ها ایراداتی دارد. قوی ترین ایرادی که می توان به آن اشاره کرد، موضوع حاکمیت است. دولت میزبان حج و زیارت با توسل به حاکمیت با هرگونه پیشنهادی مخالفت می کند؛ به ویژه اگر از سوی ایران یا طرفداران ایران باشد. بخشی از روابط نود یا صد ساله ایران و عربستان، به تعارضات عقیدتی و ایدئولوژیکی برمی گردد. گزارش های پیش و پس از انقلاب به خوبی نشان می دهد با احتیاط بیشتری باید در این حوزه وارد شد.

رفع این مشکل نیازمند جلب توجه بخش معظمی از محققان بی طرف در دیگر کشورهای اسلامی است. در نتیجه باید پژوهش از فضای ایرانی بیرون برود و حتی تحقیقاتی که در این باره در خارج از کشور وجود دارد، مورد توجه قرار گیرد. قوی ترین پیشنهاد درباره اداره بین المللی حج، می تواند جلب همکاری سازمان



همکاری اسلامی باشد. برای تحقق این امر باید ظرفیت‌های این سازمان مطالعه شود و پس از جلب همکاری این سازمان، باید به فکر همکاری با سازمان آیسسکو^۱ نیز بود. از ظرفیت این سازمان در حفظ اماکن مقدسه هم می‌توان کمک گرفت. این امر نیز به مطالعه ظرفیت‌های آیسسکو نیاز دارد؛ به عبارت دیگر در اداره بین‌المللی حج از ظرفیت‌های سازمان همکاری‌های اسلامی باید بهره برد و در حفاظت از اماکن مقدسه در عربستان سعودی از ظرفیت‌های آیسسکو باید استفاده کرد.

تئوری میراث مشترک بشریت به عنوان تئوری نو یا استفاده از همان آموزه‌های دینی مذاهب مختلف اسلامی - که حجاز متعلق به همه کشورهای اسلامی است - تئوری‌های مناسب‌تری است. البته می‌توان از تحقیقاتی که وجود دارد نیز استفاده



۱. سازمان جهانی اسلامی برای آموزش و پرورش، علوم و فرهنگ (آیسسکو) (ICESCO) سازمانی تخصصی است که تحت حمایت سازمان همکاری اسلامی (OIC)، در زمینه‌های آموزش، علوم، فرهنگ و ارتباطات در کشورهای اسلامی و به منظور حمایت و تقویت روابط بین کشورهای عضو مشغول فعالیت است. قطعنامه صادر شده در سومین کنفرانس اجلاس اسلامی - که در تاریخ ۲۵ - ۲۸ ژانویه ۱۹۸۱ در مکه مکرّمه برگزار شد - تأیید نهایی برای تأسیس یک نهاد بین‌المللی اسلامی جدید به نام «سازمان جهانی اسلامی برای آموزش و پرورش، علوم و فرهنگ» بود تا در کنار دیگر سازمان‌های بین‌المللی اسلامی و در چارچوب سازمان همکاری اسلامی (OIC) فعالیت کند.

کرد. محققان سعودی بیشتر متن محورند و با متون دینی راحت تر کار می کنند و برای آنها می تواند قانع کننده تر باشد. بنابراین آموزه های درون دینی به ما کمک می کند این بحث را مطرح کنیم که حجاز احکام خاص خودش را دارد و به حاکمیت یا سیاستگذاری خاصی متعلق نیست.

در مورد اینکه در حوزه پژوهش آیا پژوهش ها باید تعاملی باشد یا تقابلی، نظرات متفاوت است؛ ولی به نظر می رسد اگر از نگاه تعامل باشد، گرچه زمان بر است، اما راه را برای حل و فصل مشکلات حقوقی حج و حج گزاران و همچنین کشور میزبان حل کند؛ زیرا همیشه تقابل و دخالت دادن سیاست، مشکلاتی ایجاد کرده که البته بر کسی مخفی نیست.

حقوق زائران، علیه ایران

برخی می گویند ممکن است دولت عربستان سعودی دیدگاه اداره بین المللی حج را در مورد اقلیت های دینی و اماکن زیارتی ایران مطرح کند.^۱ به طور کلی اگر بحث زیارت و ۱. در ایران ملیت ها و اقوام مذهبی متفاوتی زندگی می کنند و هر کدام مطالباتی دارند؛ برای نمونه اهل سنت خواستار برگزاری نماز جمعه در تهران هستند؛ کردها خواهان یک حکومت مستقل اند؛ برخی هم حرم امام رضا (علیه السلام) را به همه مسلمانان مربوط می دانند، نه اینکه به ایران اختصاص داشته باشد.

حقوق زائران تعمیم داده شود، ادیان و مذاهب مختلف را شامل می‌شود. مذاهب و اقوام مختلفی وجود دارند که هر کدام حقوقی را طلب می‌کنند. در واقع این راهکار می‌تواند بین‌المللی باشد. اگر حقوق زائران در همه ادیان و مذاهب به صورت بین‌المللی اجرا شود، دولت عربستان نیز اداره بین‌المللی حج را می‌پذیرد.

این سخن درست نیست؛ زیرا موضوع حج با دیگر اماکن مقدسه متفاوت است. مکه، مدینه و مشاعر حج، مکان‌های مورد توجه همه مسلمانان است؛ البته حق حاکمیت حکومت‌ها مورد تأیید است. بحث اداره بین‌المللی حج، بحث از حداقل حقوق‌های زائران است و این امر ربطی به اختلافات مذهبی و باسابقه میان ایران و سعودی ندارد؛ زیرا اختلافات وهابیت و تشیع به راحتی حل نخواهد شد. بنابراین مسئله این است که استانداردهای حداقلی زائران رعایت شود.

موضوع مورد بحث حداقل‌های حقوق حجاج است؛ زیرا ملیت‌های مختلف وارد آن سرزمین می‌شوند. آنچه در ایران درباره اداره بین‌المللی حج مطرح می‌شود، به معنای این نیست که اداره دو شهر از کشور عربستان به کشوری داده شود که رابطه سیاسی خوبی با عربستان ندارد. قطعاً مسئولان ایران هم چنین چیزی نخواستند و این اصلاً



نمی تواند منطقی باشد که ایران بگوید: «حج را، منطقه مکه و مدینه را، جدا کنید و اداره آن را به ایران بدهید».

همکاری با سازمان همکاری اسلامی، آری یا خیر؟

ممکن است این سؤال پیش بیاید که سازمان همکاری اسلامی^۱ با اینکه یک سازمان بین المللی است، اما آیا اساس نامه سازمان اجازه ورود در عرصه عملیاتی و اقداماتی مانند اداره حج را می دهد؟ چرا که این سازمان تاکنون کارهای تشریفاتی - توصیه ای انجام داده است و نتوانسته رویدادی را رقم بزند.



۱. سازمان همکاری اسلامی (OIC)، دومین سازمان بین دولتی پس از سازمان ملل متحد است که با عضویت ۵۷ کشور به گسترش بیش از چهار قاره است. این سازمان صدای جمعی جهان اسلام و تضمین برای حفاظت و حمایت از منافع جهان اسلام در روح ترویج صلح بین المللی و هماهنگی میان افراد مختلف جهان است. سازمان بر اساس تصمیم اجلاس تاریخی که در رباط، پادشاهی مغرب، در ۲۵ سپتامبر ۱۹۶۹ برگزار شد، به عنوان یک نتیجه از آتش سوزی جنایی مسجدالاقصی در اشغال بیت المقدس تأسیس شد. نام این سازمان از زمان تأسیس در سال ۱۹۶۹ تا سال ۲۰۱۱ سازمان کنفرانس اسلامی بود. سپس به سازمان همکاری اسلامی تغییر یافت.

نشست سران هر سه سال یک بار و در پایتخت یکی از کشورهای اسلامی عضو برگزار می شود. کشورهایی که این کنفرانس را برگزار می کنند به مدت سه سال ریاست آن را بر عهده می گیرند. چهاردهمین اجلاس سران کشورهای اسلامی موسوم به «اجلاس مکه: دست به دست به سوی آینده» در ۳۱ می ۲۰۱۹ برگزار شد.

در پاسخ باید گفت با اینکه این حرفها صحیح است، اما با توجه به واقعیت‌های موجود، بهترین راه حل در حال حاضر، همکاری با سازمان همکاری اسلامی است. جالب است که بین ملک فیصل و جمال عبدالناصر در مورد کنفرانس اسلامی اختلاف وجود داشت. عربستان سعودی می‌خواست سازمان همکاری اسلامی را تأسیس کند و جمال عبدالناصر مخالف این امر بود؛ زیرا معتقد بود عربستان سعودی با تأسیس سازمان همکاری اسلامی، به دنبال گسترش و هابیت در جهان اسلام است. او برای اتحاد جهان اسلام، ظرفیت حج را مطرح می‌کرد تا با استفاده از کنفرانس‌های سالانه در حج و حضور علمای بلاد اسلام از مذاهب مختلف، کارکرد و ظرفیت سازمان همکاری اسلامی محقق شود.



هدف اصلی سازمان همکاری اسلامی - که در منشور ۲۰۰۸ هم ذکر شده - همبستگی اسلامی است که برای تحقق آن دو برنامه تدوین شده است:

۱. برنامه ده‌ساله از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵: بخش‌هایی از این برنامه عملی، مقابله با افراط‌گرایی و تعصب مذهبی بود. در این برنامه تعداد مذاهب به رسمیت شناخته شد و بر هشت مذهب تصریح شد که پیروان مذاهب هشت‌گانه یکدیگر را کافر ندانند.
۱. این برنامه در برنامه سوم نشست فوق‌العاده سران با حضور آقای احمدی‌نژاد در شهر مکه تصویب شد.

۲. برنامه دهساله از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵: بخش‌هایی از این برنامه به تساهل، تعدیل و احترام متقابل مذاهب مختلف اسلامی نسبت به یکدیگر مربوط می‌شود. یکی از بهترین مواردی که می‌توان احترام به مذاهب را حفظ کرد، فرصت حج و استفاده از ظرفیت حج است؛ به این شکل که تبلیغ دینی در یک مذهب منحصر نشود.

بقیع، حقوق زائران شیعه

یکی از حقوقی که برای زائران شیعه حج وجود دارد، امکان ساخت مقبره برای ائمه‌شان و زیارت آنها به طور آزادانه است. برای این امر راه‌هایی وجود دارد که یکی از این راه‌ها استفاده از ظرفیت کمیته ثبت میراث فرهنگی و آثار فرهنگی جهان اسلام در یونسکو است.

به جز این سازمان، حفظ اماکن مذهبی در شاخه‌ای از حقوق به نام حقوق بشردوستانه به تفصیل بحث شده است و حتی چند رأی بین‌المللی به نفع اماکن مقدسه صادر شده است؛ مانند رأی محکومیت اسرائیل که با ساخت دیواری، مانع دسترسی فلسطینی‌ها به مساجد شد. به همین علت دیوان بین‌المللی دادگستری با ورود به این قضیه، اعلام کرد دسترسی به اماکن مذهبی حق همه افراد است. امروزه



احترام و دسترسی به اماکن مذهبی، مورد قبول است.

افزون بر این، دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد معبد پره - ویهار، که مورد اختلاف تایلند و کامبوج بود، اعلام کرد این منطقه باید به نحوی توسط دو کشور اداره شود که کسی با سلاح در آن منطقه نیاید و افراد دو کشور آزادند برای زیارت به این مکان بیایند.^۱

بعضی از کشورها مانند ژاپن، مالت و آلمان قانون اماکن مقدسه دارند. چند سال پیش برخی متعصبین، به مقبره‌ای در فرانسه که متعلق به سربازان مسلمان بود، توهین کردند و شعارهای تندى نوشتند. در نتیجه پلیس فرانسه آنجا را بست و اعلام کرد اگر



۱. مالکیت معبد پره ویهار نزدیک به ۵۹ سال محل مناقشه میان دو کشور تایلند و کامبوج بود. این معبد هندو در بالای صخره‌ای واقع است که در مرز تایلند و کامبوج قرار دارد. این معبد در طول دوره‌های مختلف گاهی جزو کامبوج و گاهی هم متعلق به تایلند بوده است. پس از رهایی کامبوج از استعمار فرانسه و اشغال همزمان معبد توسط تایلند، این معبد از سوی تایلند به عنوان بخشی از روستای درختان کاج که در شرق تایلند واقع است، ثبت گردید. پس از سال ۱۹۶۲ که اکثریت قضات دیوان بین‌المللی لاهه به مالکیت تام کامبوج بر این معبد رأی دادند، معبد به عنوان ناحیه‌ای در شمال کامبوج به ثبت رسید. برخلاف رأی دادگاه، تایلند همچنان اصرار داشت که دادگاه، مالکیت بخش‌هایی از این معبد را مشخص نکرده است و آن بخش‌ها را در تصرف خود داشت. سرانجام دادگاه بین‌المللی لاهه ۲۰ آبان‌ماه ۱۳۹۲ بر ادعای حقوقی تایلند خط بطلان کشید و تأکید کرد همه بخش‌های معبد متعلق به کامبوج است.

خاطبان دستگیر شوند، پنج سال زندانی می‌شوند. این امر به خاطر مسلمان بودن این سربازان نبود؛ بلکه این قبرستان، به دلیل تعلق به جنگ جهانی دوم، از نظرشان محترم بود و توهین به این قبرستان، توهین به اماکن مقدسه به حساب می‌آید.

شواهد تاریخی، راهی برای رسیدن به حرم

افزون بر مباحثی که مطرح شد، کمک گرفتن از تاریخ بسیار نتیجه‌بخش است؛ زیرا پیشینه بحث اداره مسجدالحرام و مسجدالنبی حدود ده قرن است و در اوائل توسط فرزندان امام حسن علیه السلام در مکه و فرزندان امام حسین علیه السلام در مدینه اداره می‌شد. ۱ این

۱. اشراف حسنی به امیران مکه مکرمه از نسل امام حسن مجتبی علیه السلام از نیمه دوم قرن چهارم قمری تا تسلط آل سعود (حدود سال ۳۵۸ تا ۱۳۴۳ ق.) گفته می‌شود. اشراف حسنی جز در برهه‌هایی کوتاه که حکمرانی مکه از سوی قدرت‌های مجاور در اختیار غیر اشراف حسنی یا اشراف حسینی (امیران مدینه) قرار می‌گرفت، حکمرانی آن شهر را به گونه موروثی بر عهده داشتند.

حکومت مکه تا پیش از قدرت یافتن اشراف، حدود سه سده در اختیار کارگزاران امویان و عباسیان بود. آنان با توجه به اهمیت آن شهر، معمولاً خویشاوندانشان را برای حکمرانی آن برمی‌گزیدند.

حکومت درازمدت اشراف حسنی در آغاز زیر نفوذ فاطمیان مصر، و سپس ایوبیان و عباسیان بود. با قدرت یافتن دولت ممالیک در مصر و شام (۶۴۸ ق.)، حاکمان مکه تابع ایشان گشتند و پس از تسلط امپراتوری عثمانی بر مصر و حجاز، حکومت این دسته از اشراف تابع این دولت شد. این دولت‌ها با توجه به حرمت اشراف و نفوذ معنوی آنان در مکه و سرزمین‌های پیرامونی آن، حکمرانی ایشان را تأیید می‌کردند و برای



دو مکان تا حدودی از جنگ‌ها در امان بودند و معمولاً حکومت عثمانی برای تعمیرش هزینه می‌کرد، مصریان برای کعبه پارچه می‌فرستادند و ایرانی‌ها هم در این امور شریک بودند. خطبه این دو مسجد به تناسب اینکه چه کشوری هزینه بیشتری کرده یا قدرت بیشتری داشته، برای عثمانی‌ها یا مصری‌ها یا ایرانیان بوده است.

برجسته‌سازی تاریخ این ده قرن می‌تواند به نوعی فشار بر آل سعود باشد و موجب

نفوذ بیشتر در این شهر مقدس به منزله یکی از پایتخت‌های معنوی جهان اسلام و کاستن از نفوذ رقبای خود، در یاری‌رسانی به اشراف، حاجیان و ساکنان حرمین، بسیار می‌کوشیدند. انتقال قدرت از شریفی به شریف دیگر، بیشتر پس از توافق خود اشراف صورت می‌پذیرفت و سپس قدرت‌های مجاور آن را تأیید می‌کردند.

عصر حکومت اشراف بر مکه با فراز و فرودهایی همراه بود. گاه قدرتشان چندان اوج می‌گرفت که به گونه مستقل و بیرون از دایره حکومتی دیگر، حکمرانی می‌کردند. برخی بر این باورند که حجاز زیر نظر اشراف و جدا از حکومت‌های مرکزی اداره می‌شد. گاه نیز به سبب ضعف شخصیتی امیران مکه یا درگیری‌های درونی و دخالت قدرت‌های مجاور، حکومتشان کاملاً به آنها وابسته بود. از مظاهر این وابستگی، استقرار پایگاه نظامی برخی دولت‌های همجوار و اعزام نیرو به مکه و نظارت بر امور مسجدالحرام از جانب فرمانده نظامی و دریافت مالیات بود.

اشراف حسنی بیشتر بر مکه حکمرانی داشتند؛ ولی گاه با تصرف برخی شهرهای پیرامونی - مانند طائف، مدینه و بعضی نواحی یمن - حکومت خود را گسترش می‌دادند؛ چنان‌که شریف قتاده بن ادریس قلمرو خود را از یمن تا مدینه گسترش داد.



اقتناع افکار عمومی جهان اسلام شود. در صد سال اخیر نماز جماعت در مسجدالحرام یکپارچه شده است؛ ولی پیش از این تاریخ، به مدت ده قرن، در مسجدالحرام چهار نماز جماعت خوانده می شده و چهار محراب در این مسجد بوده است.

همین موضوع می تواند بزرگ ترین فشار باشد. با این شواهد تاریخی می توان به طور غیر مستقیم جهان اسلام را آگاه کرد انحصاری که بر این دو منطقه ایجاد شده، همیشگی نیست؛ بلکه مدت زیادی برخلاف این ماجرا حکم فرما بوده است. تلاش دولت عربستان سعودی در برجسته سازی تاریخ صدساله خودشان، برای تقابل با اداره بین المللی حج است.

یکی از چیزهایی که در ضمن اداره بین المللی حج مطرح می شود، ساخت حرم برای مقبره های بقیع است و اینکه تصور می شود بقیع همیشه خراب بوده است، اشتباه است؛ بلکه بقیع خراب شده است. در نتیجه با روشنگری از این تاریخ طولانی، شیعیان می توانند به یکی از حقوق خود در ساخت حرم برای قبور معزز و مکرم ائمه خود، نزدیک شوند.



قواعد بین المللی در حقوق گردشگران با تمرکز بر گردشگران مذهبی



دکتر لسانی

بحث درباره حقوق گردشگری و به صورت ویژه حقوق زائران، به دو قسمت تقسیم می شود:

۱. آیا افراد حق دارند برای انجام مناسک مذهبی به اماکن مذهبی مورد نظر خود بروند؟ این موضوع ربطی به دین و آئین خاصی ندارد. این قضیه زمانی مهم تر می شود که این افراد بخواهند به خارج از کشور خودشان بروند و یک عمل مذهبی انجام دهند. به این حق «حق بر گردشگری مذهبی» یا «حق بر توریسم مذهبی» می گویند.

۲. بحث دیگر، بحث حقوق گردشگران مذهبی است. این بدین معناست که پیروان یک دین از چه حقوقی برخوردار هستند؟ در نتیجه پیروان یک آیین، دو نوع حق دارند: رفتن به اماکن مذهبی، حقوقی که طبق حقوق بین المللی از آن برخوردارند.

شایان ذکر است در مورد اماکن مذهبی و مراجعه افراد به اماکن مذهبی کشورهای

دیگر در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین^۱ نکته خاصی نیامده است؛ البته در آنها

۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر، یک پیمان بین المللی است که در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ در پاریس به تصویب رسید. این اعلامیه نتیجه مستقیم جنگ جهانی دوم بود و برای اولین بار حقوقی را به صورت جهانی بیان می کرد که تمام انسان ها مستحق آن هستند. در نتیجه حقوق بشر به حقوقی گفته می شود که همگان در همه زمان ها و مکان ها از آن برخوردارند. متن کامل این بیانیه بر روی وبگاه سازمان ملل متحد منتشر شده است.

این اعلامیه شامل سی ماده است که به تشریح دیدگاه سازمان ملل متحد در مورد حقوق بشر می پردازد. مفاد این اعلامیه حقوق بنیادی مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ای را که تمامی انسان ها در هر کشوری باید از آن برخوردار باشند، مشخص کرده است.

منشور بین المللی حقوق بشر از اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و دو پروتکل انتخابی آن تشکیل شده است. مجمع عمومی در سال ۱۹۶۶ دو میثاق مذکور را به تصویب رساند. در سال ۱۹۷۶ هنگامی که منشور بین المللی حقوق بشر توسط تعداد کافی از ملت ها مورد تأیید قرار گرفت، به حقوق بین الملل تبدیل شد.

مفاد این اعلامیه از نظر بسیاری از پژوهشگران الزام آور، و از اعتبار حقوق بین الملل برخوردار است؛ زیرا به



حج استراحت یا حق تفریح وجود دارد؛ ولی نمی توان از آن حق گردشگری مذهبی را استنباط کرد.

قوانین بین المللی و حقوق توریسم مذهبی

برای طلب حقوق توریسم مذهبی باید از اسنادی استفاده کرد که در سطح بالای حقوقی قرار دارد. تنها سندی که در این زمینه وجود دارد، اعلامیه جهانی حقوق بشر است که امروزه یک قاعده عرفی حقوق بین الملل است و هیچ شکی در لازم الاجرا بودن آن وجود ندارد. غیر از این مورد، سند دیگری که در این سطح باشد، در این زمینه وجود ندارد. در نتیجه باید به قواعدی متوسل شد که امید می رود به زودی به قاعده عرفی تبدیل شود.

تنها چیزی که می توان در این زمینه به آن دسترسی پیدا کرد، ماده ۱۸ اعلامیه جهانی^۱ حقوق بشر است که حق اجرای مناسک دینی را به عنوان یکی از حقوق

صورت گسترده ای پذیرفته شده و برای سنجش رفتار کشورها به کار می رود. کشورهای تازه استقلال یافته زیادی به مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر استناد کرده و آن را در قوانین بنیادی یا قانون اساسی خود گنجانده اند.

۱. ماده ۱۸ اعلامیه حقوق بشر: هر انسانی حق دارد از آزادی اندیشه، وجدان و دین برخوردار باشد. این حق



انسان‌ها می‌شناسد. طبق این ماده، مسلمانان حق دارند برای انجام مناسک دینی حج به کشوری که محل قرار داشتن خانه خداست، مراجعه کنند و اعمال مناسک حج را انجام دهند. ولی این حق فقط در همین حد نیست.

جالب است در جای دیگر، توضیح دیگری در مورد مراجعه توریسم‌های مذهبی به کشورهای دیگر ذکر نشده است؛ برای مثال هندوها نسبت به رود گنگ احترام خاصی قائل هستند و مراسم مذهبی خاصی در هند برگزار می‌کنند. گاهی به مقداری تجمع زیاد می‌شود که صدها نفر در اثر تجمع کشته می‌شوند. حال آیا هندوهای سراسر جهان می‌توانند برای انجام این مراسم به هند مراجعه کنند؟!

بنابراین در ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر فقط حق انجام مناسک دینی مطرح می‌شود.

افزون بر این، سازمان جهانی گردشگری بر حق گردشگری (نه گردشگری مذهبی) تأکید می‌کند. این سازمان سال ۱۹۹۳ در بالی اندونزی قطعنامه‌ای صادر کرده و حق

شامل آزادی عقیده، تغییر مذهب [دین] و آزادی علنی [و آشکار] کردن آئین و ابراز عقیده - چه به صورت تنها، چه به صورت جمعی یا به اتفاق دیگران - در قالب آموزش، اجرای مناسک، عبادت و برگزاری آن در محیط عمومی یا خصوصی است و هیچ فردی حق اهانت و تعرض به فرد دیگری به لحاظ تمایز و اختلاف اندیشه ندارد.



سفر با ایمنی کامل را از حقوق اساسی بشر دانسته است. در بیانیه‌ای که سال ۲۰۰۰ در شهر امان در همین سازمان مطرح شد نیز به حق گردشگری به عنوان حقی بی‌قید و شرط اشاره شده است.

حال این سؤال مطرح است که آیا مسلمانان و بالأخص شیعیان این حقوق را دارند؟ در واقع این حقوق، هنوز حقوق نرم است؛ یعنی حقوقی است که هنوز تبدیل به حقوق الزام‌آور نشده است؛ برای مثال علی‌رغم اینکه در بیانیه بالی گفته شده سفر با ایمنی کامل، جزو حقوق اساسی بشر است، ولی مستندی برای اساسی بودن آن وجود ندارد. در این موضوع باید درباره حقوق بین‌الملل، مستند سخن گفت؛ زیرا در علم حقوق باید مستند صحبت کرد.

از دیگر حقوق‌های نرم که هنوز الزام‌آور نشده، اعلامیه‌ای است که مجمع عمومی ملل متحد آن را در سال ۱۹۸۱ میلادی صادر کرده است. در ماده شش این اعلامیه آمده است: «افراد دارای مذهب حق دارند با افراد و جوامع مذهبی مرتبط با خودشان ارتباط برقرار کنند؛ چه در داخل کشور خود و چه در سطح بین‌الملل». متأسفانه این قانون هم جزو قواعد الزام‌آور حقوق بین‌الملل نیست.



حق حاکمیت بالاتر از هر قانون بین المللی دیگر

باید به این نکته توجه شود که حتی اگر این حقوق به عنوان قواعد الزام آور حقوق بین الملل تلقی شود (به عرف تبدیل شود)، یک قاعده دیگر در حقوق بین الملل به نام «حق حاکمیت و حق استقلال سیاسی دولت» در مقابل آن وجود دارد. این حق برای دولت‌ها در سطح جامعه بین المللی به قدری مهم است که به آنها اجازه می‌دهد مرزهایشان را ببندند و برای ورود افراد به داخل کشورهایشان قاعده (ویزا) تعیین کنند. این حق در حقوق بین الملل جزو حقوق مقدس (به لحاظ حقوقی) حساب می‌شود و غیر قابل انکار است.



حقوق بین الملل برای حمایت از حق دولت‌ها ایجاد شده است. حقوق بشر بعدها به حقوق بین الملل وارد شده است. از دهه هفتاد میلادی به بعد حقوق بین الملل، انسان‌گرا شد. گرایش به حقوق بشر در منشور ملل متحد زیاد نیست. اسم حقوق بشر دوستانه (که به آن حقوق جنگ یا حقوق مخاصمات مسلحانه می‌گویند) در منشور ملل متحد به کار نرفته است. انسان‌های زیادی در جنگ‌ها کشته می‌شوند که منشور ملل متحد چشمش را بر روی آن بسته است؛ زیرا حقوق بین الملل در آن دوران یک حقوق دولت‌گرا

بوده است؛ نه انسان‌گرا.

دولت‌گرایی در حقوق بین‌الملل همچنان اجازه می‌دهد که دولت‌ها بتوانند ورود گردشگران - اعم از گردشگران غیر مذهبی و مذهبی - را به کشور خودشان تحت کنترل قرار بدهند. اما این حقوق با رویه دولت‌ها می‌تواند آرام آرام به یک حقوق عرفی تبدیل شود که بتواند هم نظر دولت‌ها (از جهت حاکمیتشان) و هم نظر انسان‌ها را تأمین کند تا بتوانند به کشورهایی که مقاصد گردشگری مذهبی است، سفر کنند.

نظرات درباره حقوق گردشگران مذهبی

در این موضوع دو نظر وجود دارد:

۱. تمایز بین حقوق گردشگران مذهبی و اتباع کشور پذیرنده (کشور محل انجام مناسک مذهبی)

این نظر قائلان زیادی دارد. بر اساس این نظر، گردشگر کسی است که یک روزالی یک سال در آن کشور برای مناسک مذهبی حضور داشته باشد. چنین فردی نیازی به حقوق برابر با حقوق افراد جامعه ندارد. مسلمانی که برای انجام مراسم مذهبی به عربستان می‌رود، یک ماه بیشتر آنجا نیست. در نتیجه باید حقوقش با کسی که جزو



اتباع عربستان است و زندگی اش در آنجاست، فرق داشته باشد.

به نظر این گروه، هر حقی تکلیفی به دنبال دارد و به نفع گردشگر است که حق زیادی نداشته باشد؛ زیرا در مقابلش تکلیف هم خواهد داشت و بعضی از حقوق هم اگر به گردشگران داده شود، مفسده برانگیز است؛ مانند حق شرکت در انتخابات و مسائل حقوق عمومی که به صلاح نیست.

۲. یکی بودن حقوق گردشگران مذهبی با اتباع در حقوقی که جنبه عرفی یا بنیادین

دارد

بر این اساس گردشگران مذهبی حقوقی برابر با اتباع دارند؛ اما آن دسته از حقوقی که جنبه عرفی یا بالاتر از جنبه عرفی، جنبه بنیادین داشته باشد. به نظر این افراد حقوقی که جنبه بنیادین دارد، قطعی و تخطی ناپذیر است. در نتیجه گردشگران از این حقوق برخوردارند و شکی در آن وجود ندارد.

در حقوق بین الملل سه دسته قاعده وجود دارد:

۱. قواعد عادی حقوق بین الملل که می تواند شامل قواعد قراردادی باشد و در قالب

معاهدات یا قواعد عرفی است؛



۲. قواعد قطعی و تخطی ناپذیر حقوق بین الملل (erga omnes)^۱ که سطح بالاتری دارد و نمی توان آنها را نقض کرد.

۳. قواعد آمره حقوق بین الملل (jus cogens)^۲ که از همه قواعد بالاتر است و از قواعد تأثیرگذار و بسیار مهم به حساب می آیند.

قواعد آمره قواعدی است که همه دولت ها آن را پذیرفته اند. برخی مصادیق قواعد آمره عبارت اند از:

(الف) ممنوعیت جنگ؛

(ب) حق همزیستی مسالمت آمیز؛

(ج) حق تعیین سرنوشت (هر ملت خودشان باید سرنوشت خودشان را تعیین کنند).



۱. Erga omnes به معنای «نسبت به همه» یا «نسبت به هر کس» است. در اصطلاحات حقوقی، حقوق یا تعهدات erga omnes نسبت به همه اجرا می شود و ضمانت اجرا دارد؛ بدون اینکه نیازی به قرارداد داشته باشد؛ مانند حق مالکیت. به عبارت دیگر حقوق erga omnes در مقابل حقوقی است که بر اساس قرارداد تعیین می شود و تنها در موارد قرارداد، اجرا می شود.

۲. این قواعد، اصل اساسی حقوق بین الملل هستند که به عنوان هنجار جامعه بین الملل در سطح دولت ها پذیرفته شده است و هیچ دولتی نمی تواند آنها را رد کند؛ مانند: ممنوعیت نسل کشی، دزدی دریایی، بردگی، جنگ های تجاوزکارانه و تجاوز به قلمرو سرزمینی.

در این مصادیق، حقوق گردشگران بیان نشده است؛ ولی می‌توان حق حیات را مربوط به حقوق گردشگری دانست که هیچ کس نمی‌تواند بدون مجوز قضایی طبق ضوابط بین‌الملل، حیات آنها را نقض کند.

حقوقی که برای گردشگران مذهبی است، باید از نوع دوم و سوم باشد؛ البته تمام این حقوق از حقوق بنیادین، در حقوق دسته دوم، و خیلی از آنها هم در حقوق دسته سوم (قواعد آمره) قرار دارد؛ مانند: حق حیات یا ممنوعیت سلب حیات افراد بدون مجوز قضایی. ما نمی‌توانیم بدون مجوز قضایی جان هیچ کسی را بگیریم؛ حتی در بحث مجازات اعدام هم در حقوق بین‌الملل اختلاف وجود دارد. این قاعده جزو قواعد آمره حقوق بین‌الملل است. بالطبع گردشگر مذهبی هم از این حق برخوردار است. در این حق، یک حقی وجود دارد به نام حق امنیت. بر این اساس گردشگر باید از امنیت برخوردار باشد.

بحثی که در این بین مطرح می‌شود اتفاقی بود که چند سال پیش در منا اتفاق افتاد.^۱ آیا عربستان سعودی مکلف به تأمین امنیت حجاج کشورهای مختلف بوده
۱. فاجعه منا ۲ مهر ۱۳۹۴ همزمان با عید قربان در مراسم رمی جمرات در خیابان ۲۰۴ منطقه منا نزدیک تقاطع آن با خیابان ۲۲۳ رخ داد که به کشته شدن بیش از دو هزار زائر منجر شد.



است یا خیر؟ حق امنیت اثبات می‌کند که عربستان باید طبق قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل - که همه پذیرفتند و هیچ مخالفی ندارد - امنیت زائران را تأمین کند. پس وقتی که امنیت را تأمین نکرده، یک قاعده حقوق بین‌المللی را نقض کرده است. در مقابل نقض هر قاعده حقوق بین‌الملل، مسئولیت بین‌المللی به وجود می‌آید. پس در مسئولیت بین‌المللی عربستان سعودی در این قضیه هیچ شبهه‌ای وجود ندارد.

یکی دیگر از موارد حقوق بنیادین که حقوق زائران را هم در برمی‌گیرد، حق آزادی است که گردشگران مذهبی هم از آن برخوردارند. پس زائران باید آزادی رفت‌وآمد به اماکن مذهبی را داشته باشند و بتوانند به راحتی به اماکن مذهبی دسترسی پیدا کنند. البته در اعلامیه جهانی حقوق بشر، از آزادی رفت‌وآمد، به آزادی ورود و خروج اتباع به کشور خودشان تعبیر شده است. در برخی منابع به اشتباه گفته بودند بر اساس حق آزادی، کشورهای دارای اماکن مذهبی مکلف هستند به افرادی که می‌خواهند



آمار دقیق تلفات این حادثه رسماً اعلام نشد. مقامات رسمی عربستان دو روز پس از وقوع حادثه، تعداد جانبازگان را ۷۶۹ نفر اعلام کردند؛ ولی شاهدان میدانی آمار را خیلی بیشتر از این می‌دانند. بر اساس مجموع آمار استخراج شده از گزارش‌های جداگانه کشورها، تعداد جانبازگان ۲۴۳۱ نفر است. بیشترین آمار تلفات این حادثه از ایران بود.

مناسک انجام دهند، ویزا بدهند؛ درحالی که حق ورود اتباع به کشور خودشان جزو حقوق اعلامیه جهانی است؛ نه خارجی. در نظر داشته باشید حق حاکمیت، حق ورود افراد خارجی به کشور را محدود می کند. بر این اساس نمی توان به عربستان ایراد گرفت که چرا در ایام کرونا به اتباع چین ویزا نمی دهد؛ همان طور که ما نیز می توانیم در این شرایط به مسلمانان چین برای زیارت اماکن مقدس در ایران ویزا ندهیم. در این شرایط ما از جهت حقوق بین الملل، مانع و مسئولیتی نداریم.

تعارض حقوق بین الملل و حقوق داخلی دولت ها

در موارد زیادی با اینکه یک چیزی قانون بین المللی است، ولی بعضی از دولت ها آن را عملی نمی کنند؛ چنان که در موارد متعددی عربستان بر اساس قانون داخلی خود،

امنیت زائران را نادیده گرفته است؛ مانند شهادت ابوطالب یزدی.^۱ در دوره عثمانی نیز

۱. ابوطالب یزدی، حاجی جوان ایرانی بود که به اتهام توهین به خانه خدا به دست مأموران سعودی کشته شد. وی در ۲۲ سالگی همراه همسرش عازم حج شد. او در حال طواف دچار حالت تهوع شد و برای اینکه زمین مسجدالحرام را آلوده نکند در لباس احرام خود استفراغ و بلافاصله اطراف آن را می گیرد تا روی زمین نریزد. عده ای از حجاج وقتی این حاجی ایرانی را با این حال مشاهده می کنند به وی حمله می کنند و کتک سختی می زنند. در این هنگام لباس احرام از دست او رها می شود و مقداری استفراغ روی زمین می ریزد. ریختن مقداری از مواد استفراغ او به زمین موجب می شود شرطه های سعودی این

موارد متعددی از نقض حق حیات و امنیت زائران توسط عربستان مشاهده می‌شود. مقابله با این موارد در گذشته نتیجه مطلوبی نداشته است. این مسائل متأثر از مسائل دیگری است و باید اقدامات همه‌جانبه از سوی همه کشورهای به ویژه کشورهای اسلامی انجام شود تا عملاً این مشکلات و معضلات حل شود.

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که جمع بین قانون بین‌المللی و قوانین داخلی دولت‌ها چگونه است؟ جواب این سؤال در کشف رابطه بین حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی است؛ حقوق داخلی دولت‌ها نمی‌تواند مغایر با تعهدات بین‌المللی آنها باشد؛ یعنی اگر دولتی تعهدی را در جامعه بین‌المللی - چه به صورت قراردادی و چه به صورت عرفی - بپذیرد، نمی‌تواند در حقوق داخلی خود مغایر با آن تعهد عمل کند و در صورت تخلف، مسئولیت بین‌المللی آن دولت خواهد شد. علی‌رغم این قاعده، در موارد متعددی مشاهده می‌شود که قوانین خود کشورهای بر قانون‌های بین‌المللی حاکم شده‌اند.

کار او را توهین به خانه خدا تلقی کنند؛ از این رو او را بازداشت، و فردای آن روز وی را اعدام می‌کنند. این اتفاق اعتراض بسیاری از شیعیان را برانگیخت. دولت عربستان اعلام کرد ابوطالب یزدی از روی عمد مسجدالحرام را نجس کرده است. پس از این رویداد، دولت‌های ایران و عربستان به مدت پنج سال قطع رابطه کردند و اعزام حاجیان از سوی ایران تعطیل شد. (جهت اطلاع بیشتر، رک: سید علی قاضی عسکر، شهید مروه، تهران، نشر مشعر)



حقوق بین الملل چند منبع دارد:

۱. قراردادهای بین المللی (معاهدات یا کنوانسیونها)

۲. عرف بین المللی

۳. اصول بین المللی کلی حقوقی

۴. دکترین

۵. رویه قضایی بین المللی

وقتی می‌گوییم چیزی مطابق حقوق بین الملل است یا مطابق حقوق بین الملل نیست، یعنی از این منابع است یا نه.

البته در حقوق بین الملل، اصلی به نام اصالت اراده وجود دارد. بر اساس این اصل تا زمانی که یک دولت نخواهد، متعهد به هیچ قاعده بین المللی نخواهد شد؛ در حالی که در حقوق داخلی این طور نیست. در حقوق داخلی، توابع یک کشور تسلیم قوانین وضعی کشورشان هستند، ولی در حقوق بین الملل کشورها تکلیف ندارند هیچ قاعده‌ای را اجرا کنند؛ مگر اینکه خود قبلاً ملزم بودن به آن قاعده را پذیرفته باشند.

البته در مورد فوق (نادیده گرفتن حقوق بین الملل به دلیل قوانین دولتی)، قواعد



آمره (erga omnes) استثنا هستند؛ یعنی اگر دولت‌ها حقوق بین‌المللی را رعایت نکنند، برای آنها مسئولیت بین‌المللی دارد و کشورهای دیگر می‌توانند علیه او از سازوکارهای بین‌المللی استفاده کنند. اگر یک کشوری قواعد آمره را نقض کند، کشور متضرر، شاکی نیست؛ بلکه تمام کشورهای دنیا این قضیه را پیگیری می‌کنند؛ برای مثال در کشتار مسلمانان روهینگی‌ها،^۱ کشور گامبیا علیه کشور میانمار اقامه دعوا کرد؛

۱. مردم روهینگی‌ها مسلمان و هندوآریایی هستند که در ایالت راخین در غرب میانمار زندگی می‌کنند. سازمان ملل متحد و همچنین اغلب رسانه‌های بین‌المللی و سازمان‌های حقوق بشری، مردم روهینگی‌ها را جزو ستم‌دیده‌ترین اقلیت‌ها در جهان توصیف می‌کنند. این مردم چهار درصد کل جمعیت میانمار را تشکیل می‌دهند. مسلمانان روهینگی‌ها و برخی از محققان معتقدند آنها بومی ایالت راخین هستند؛ ولی دیگر مورخان ادعا می‌کنند ایشان مهاجرانی هستند که بیشتر طی دوره حکومت بریتانیا در برمه از بنگلادش به میانمار و به میزان کمتر، پس از استقلال برمه در سال ۱۹۴۸ و جنگ آزادی‌بخش بنگلادش در سال ۱۹۷۱ مهاجرت کرده‌اند.

بر اساس قوانینی که در زمان حکومت نظامیان در میانمار تدوین شد، مسلمانان روهینگی‌ها از اقوام ملت میانمار محسوب نمی‌شوند و از بسیاری از خدمات دولتی و منافع شهروندی محروم هستند و در شرایطی مانند آپارتاید زندگی می‌کنند. از جمعیت ۱/۳۰۰/۰۰۰ نفری مسلمانان میانمار تنها نزدیک چهار هزار نفر تابعیت این کشور را دارند. دولت میانمار اقلیت مسلمان روهینگی‌ها را مهاجرانی غیر قانونی می‌داند که از بنگلادش وارد شده‌اند. دولت بنگلادش نیز در قبال «مهاجران غیر قانونی» سیاست بسیار سرسختانه‌ای دارد و از ورود آنها جلوگیری می‌کند.



درحالی که یک فرد از افراد گامبیا هم در این رویداد آسیب ندیده بود. این امر به این علت است که همه کشورها در این قضیه خودشان را ذی نفع می دانند.

زمان کشیدن دیوار حائل^۱ نیز همین قاعده اجرا شد. زمانی که اسرائیل بین خود و

خسوت های قومی میان بوداییان - که بیشتر جمعیت میانمار را تشکیل می دهند - و اقلیت مسلمان روهینگیا تاکنون صدها کشته بر جای گذاشته و هزاران نفر بی خانه و کاشانه و آواره کرده است. برخی از این مهاجران در کشورهای دیگر نیز سرنوشت خوبی نداشتند و به قتل رسیدند. بیشتر این مهاجران در دام قاچاقچیان انسان گرفتار شدند.

بسیاری از آنان در کمپ های پناهندگان در نزدیکی مرز بنگلادش به سر می برند. بیش از ۱۴۰ هزار نفر از آنها به دنبال درگیری با قوم بودایی «راخینه»، سال ۲۰۱۲ به مناطق دیگر آواره شدند و تا سال ۲۰۱۷ بیش از ششصد هزار نفر از اقلیت مسلمانان روهینگیا به بنگلادش فرار کردند. در ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۸ شیخ حسیما، رئیس جمهور بنگلادش، در هفتاد و سومین مجمع عمومی سازمان ملل متحد گفت ۱/۱ میلیون پناهنده روهینگایی در بنگلادش وجود دارند.

۱. دیوار حائل اسرائیل در کرانه غربی رود اردن، به طول ۷۱۰ کیلومتر است که اسرائیل سال ۲۰۰۲ کار ساخت آن را آغاز کرد. دولت اسرائیل مدعی است این دیوار به دلایل امنیتی ساخته شده و هدف از ساخت آن جلوگیری از حمله به خاک اسرائیل است. مقامات فلسطینی مدعی هستند علت ساخت این دیوار، گرفتن زمین های بیشتر از فلسطینیان است. حدود نود درصد دیوار حائل نه در مرز میان دو کشور، بلکه در کرانه باختری واقع شده و برخی شهرک های یهودی نشین داخل خاک فلسطین را هم در بر می گیرد. این دیوار حدود ده درصد از مساحت کرانه باختری، به ویژه قدس شرقی، را در بر می گیرد. دیوان بین المللی دادگستری این دیوار را در مناطقی که وارد قلمرو فلسطینیان شده، غیر قانونی اعلام کرد.



فلسطینی‌ها دیوار کشید، دیوان بین‌المللی دادگستری سال ۲۰۰۴ اعلام کرد این دیوار حائل، به عنوان یک دیوار جداکننده، ممنوع است.

یکی دیگر از مواردی که می‌توان با آن اطمینان حاصل کرد که کشور هدف، حقوق را اجرا می‌کند، عمل متقابل است. عمل متقابل یعنی مثلاً کشور A حقوق گردشگران کشور B را بدهد تا کشور B هم حقوق گردشگران کشور A را بدهد؛ البته حقوق بنیادین چیزی نیست که بتوان در آن قاعده عمل متقابل را اجرا کرد؛ چراکه حقوق بنیادین الزام‌آور و آمره است.

مصونیت اماکن مذهبی در حقوق بین‌الملل

اماکن مذهبی در حقوق بین‌الملل ارزش و احترام بسیار زیادی دارد. در حقوق مخاصمات مسلحانه، به اماکن مذهبی توجه خاصی شده است. حمله به اماکن مذهبی و پرستشگاه‌ها، از مواردی است که می‌تواند جنایت جنگی محسوب شود و مجازات شدیدی را به دنبال دارد و در دیوان کیفری بین‌المللی قابل محاکمه است.

با وجود برخورداری رژیم اسرائیل از تجهیزات نظامی مدرن، از سال‌ها پیش این رژیم برای حفظ امنیت خود اقدام به ساخت دیوارهای امنیتی و فنس‌های نظامی پیرامون خود کرده است. رژیم صهیونیستی در محاصره هشت دیوار بلند و هوشمند قرار دارد.





رویه های جاری در حمایت از حقوق زائران و گردشگران مذهبی

دکتر قائمی

نقش حقوق در صنعت گردشگری^۱

تمام کشورها در صدد رسیدن به یک قطب گردشگری جهانی هستند. در صنعت گردشگری، در یک طرف گردشگران، و در سوی مقابل دولت ها هستند که برای ثبات، امنیت و برآورده ساختن حقوق گردشگران دینی تلاش می کنند. بنابراین می توان مقررات

۱. ر.ک: سیدمحسن قائمی خرق و سمیمه آقائی نژاد، مبانی فقهی - حقوقی گردشگری (در تکاپوی الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی)، تهران، خرسندی، ۱۳۹۶.

و قوانین حقوقی را به عنوان یکی از عوامل اساسی در توسعه صنعت گردشگری قلمداد کرد؛ البته این مقررات بایستی از چند ویژگی مهم برخوردار باشند:

۱. این مقررات و سازوکارهای حقوقی باید از خصلت جامع بودن برخوردار باشند؛ یعنی ابعاد اقتصادی، فرهنگی و جامعه‌شناختی گردشگری و مباحث اسلامی و ارزش‌ها در آن گنجانده شده باشد. لذا به جد توصیه می‌شود کشورها در بحث سیاستگذاری یا قانونگذاری و تنظیم‌گری از رویکرد بخشی‌نگری اجتناب کنند. صحیح نیست توسعه اقتصادی گردشگری بر ارزش‌های ملی و ارزش‌های اسلامی ترجیح داده شود؛ بلکه باید به ارزش‌ها، اقتصاد، ابعاد جامعه‌شناختی و حقوق گردشگری در کنار همدیگر و به صورت منسجم نگاه شود.

۲. مقررات گردشگری و حقوق گردشگران دینی، به عنوان یک هنجار، متأثر از دو عنصر مهم هستند: ارزش‌ها و واقعیت‌ها. به تناسب تغییر ارزش‌ها یا به تناسب تغییر واقعیت‌ها این مقررات و هنجارها به عنوان فرآورده نهایی تغییر خواهند کرد.

تعریف گردشگری

برخی از نویسندگان معتقدند توریسم به مسافرت‌هایی گفته می‌شود که صرفاً به



انگیزه خوشگذرانی و بازدید از نقاط جالب انجام می‌شود.^۱ اولین تعریف از توریسم در قرن نوزدهم (۱۹۰۵) بر مفاهیمی مانند سرگرمی، تفریح، استراحت، لذت، شادی و زیبایی‌های طبیعت دلالت داشت؛^۲ از این رو سازمان جهانی گردشگری، تفریح را در کنار تجارت به عنوان اهداف اصلی گردشگران ذکر کرده است.^۳ آکادمی بین‌المللی توریسم، توریسم را بر مسافرانی اطلاق می‌کند که به قصد گردش و لذت مسافرت می‌کنند^۴ و پول خود را بدون در نظر گرفتن سود اقتصادی خرج می‌کنند.^۵ البته امروز به مسافرت‌هایی که مبتنی بر عوامل فوق نیستند نیز اصطلاح توریسم صدق می‌کند؛ مانند کسانی که برای مداوا، تحصیل یا امور شغلی، علمی، سیاسی و ورزشی نیز سفر می‌کنند.^۶



1. Bridge, J.G, (1968), A. Short history of Tourism, p30, New York
۲. هوشنگ فیض‌بخش، جهانگردی در ایران و جهان، ص ۴، مرکز عالی خدمات جهانگردی و اطلاعات، ۱۳۳۳؛ حسن قره‌نژاد، مقدمه بر اقتصاد و سیاستگذاری توریسم، ص ۳۷، مانی، بی‌جا، ۱۳۷۴.
۳. ر.ک: گی روشه، سازمان اجتماعی، ترجمه هما زنجان‌زاده، ص ۲۰۵-۲۱۳، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۵.
4. L Academie International du Tourism, (1953), Dictionaire International du Tourism, p27, Monte Carlo.
5. Hunziker, Prof. Dr. walter (1959), Betriebs wirtschaftslehre des Fremdenverkehrs, p11, Band 1, Bern.

۶. حسن قره‌نژاد، مقدمه بر اقتصاد و سیاستگذاری توریسم، ص ۴۳.

ابتدا نوشته‌های مربوط به گردشگری بیشتر بر ابعاد تاریخی آن تمرکز داشت؛^۱ ولی با گذشت زمان معانی رایج و حرفه‌ای گردشگری تغییر کرد^۲ و به جای اینکه گردشگری را یک مولد اقتصادی بداند،^۳ بر چندوجهی بودن آن تأکید داشت.^۴ بر این اساس تحولات گسترده‌ای در گردشگری در حال وقوع است؛^۵ مثلاً در آینده به ارتباطات میان‌فرهنگی در

1. Bridges, J.G, (1959), "A Short History of Tourism", p 125, in H.P. Sales (Ed), Travel and Tourism Encyclopedia, London: Travel World.
2. Jafari, J. and H. Zarghan (2000), "Culture As the Bedrock of Tourism Multidisciplinary Landscape of knowledge", p: XVII, Presented at South Anniversary Congress of UNESCO in China.
3. Orbasli, A. (2000), Tourists in Historic Towns: Urban Conseration and Heritage Management, p3, London: E and FN Spon; Sinclair, M.T., M. Stabler (1997), The Economics of Tourism, p4, London, Routledge; Cooper, C.P. and A. Lockwood (1994), Progress in Tourism Recreation and Hospitality Management, p9, Published in Association whit University of Survey by: Wiley Publisher.
4. Rojeck, C. and J. Urry (1997), "Transformation of Travel and Theory", p12, in C. Rojeck and Jurry (Eds.), Touring Cultures, London: Routledge; Gunn, C.A. (2002), Tourism Planning: Concepts, Basics, Cases, p8 9, New York and London: Routledge.
5. Lumsdon, L. (1997), Tourism Marketing, p278, Thomson Business Press.



گردشگری توجه بیشتری خواهد شد؛^۱ زیرا گردشگری به عنوان ارتباط میان فرهنگی، ابزار و ره آوردی برای صدور فرهنگ است.^۲

تعریف گردشگری دینی و دشواری های آن

تقریباً از سال ۱۹۲۵ (در حقوق بین الملل) تعاریفی را در مورد گردشگر مطرح کرده اند؛ ولی به تعریف گردشگری مذهبی یا گردشگری دینی به طور خاص پرداخته نشده است. در طرح ۱۹۲۵ کمیته مخصوص آمارگیری مجمع ملل، به تعریفی کوتاه و غیر جامع از گردشگری دینی پرداختند، که عبارت است از: «مسافرت به منظور شرکت در مراسمات مذهبی». این تعریف صرفاً مراسمات مذهبی را در نظر گرفته است؛ بدون اینکه قید زمان در آن طرح شود.

سال ۱۹۶۳ در کمیته مخصوص آمارگیری مجمع ملل به پیشنهاد کنفرانس بین المللی جهانگردی در رم تعریف دیگری ارائه کردند: «بازدیدکننده موقت به منظور

۱. سیدمهدی الوانی و زهره دهدشتی، اصول و مبانی جهانگردی، ص ۲۱۷-۲۱۸، تهران، انتشارات بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳.

۲. ر.ک: نادر جعفری هفت خوانی، مدیریت گردشگری و وجهه ملی در جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۱۹-۱۴۰، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۱.

زیارت»^۱ منظور از بازدیدکننده موقت این است که مدت اقامت کمتر از ۲۴ ساعت و بیشتر از یک سال نباشد. البته در برخی از تعاریف در عالم حقوق بین الملل، حداکثر زمان را به جای یک سال، سه ماه گفته اند؛ یعنی بین ۲۴ ساعت و سه ماه را مد نظر قرار داده اند. قید دیگر این تعریف (به منظور زیارت) بدین معناست که آن مسافر به منظور کسب شغل و پیشه سفر نکرده باشد یا مثلاً شغل او زیارت یا فعالیت های دینی نباشد؛ بلکه به منظور زیارت یا شرکت در مراسمات مذهبی وارد آن کشور زائر پذیر شده باشد. در ایران هم این چنین است. طبق تعریف مرکز آمار ایران، دو ملاک زمان مسافرت و مقاصد و انگیزه های سفر در تعریف زائر مد نظر است.

دست اندرکاران و محققان گردشگری هنوز به اتفاق نظری در مورد پدیده در حال رشد گردشگری دینی نرسیده اند. بسیاری از آنها حتی بر سر نام آن نیز اتفاق نظر ندارند و نام هایی چون گردشگری زیارت، گردشگری معنوی و زیارت تفریحی را اصطلاحات مناسب تری می دانند.^۲

۱. البته این تعریف خلاصه شده و قیودی مورد توجه قرار گرفته که در این تعریف آمده است.

۲. ر.ک:

Jackowski, A. (1987), "Geography of pilgrimage in Poland", p422 429, The National



اگرچه اکثر محققان و دست‌اندرکاران گردشگری بر استفاده از اصطلاح گردشگری دینی اتفاق نظر دارند، اما تعریف کامل و جامعی که مورد قبول اکثریت باشد، ارائه نکرده‌اند. آنها اصطلاح گردشگران دینی را برای دو گروه از مسافران به کار می‌برند:

۱. افرادی که با انگیزه‌های دینی (انگیزه اصلی) سفر می‌کنند اما نیم‌نگاهی نیز به جاذبه‌های غیر دینی (انگیزه ثانوی) دارند.

۲. افرادی که در حین سفر به قصد تفریح و دیدن جاذبه‌های طبیعی و فرهنگی، از مکان‌های دینی نیز بازدید می‌کنند.^۱

معمولاً اصطلاح گردشگری دینی، به خاطر این سردرگمی، با احتیاط بیشتری

Geographical Journal of India 33 (4); Hudman, L.E. and Jackson, R.H. (1992) "Mormon Pilgrimage and Tourism", p422 121. 107, 429. Annals of Tourism Research 19; Tyrakowski, K. (1994), "Pilgrims to the Mexican highlands", p: 193 246. Geographic Religionum 8.

۱. ر.ک:

Bywater, M. (1994) "Religious travel in Europe", p 39 52. Travel & Tourism Analyst 2; Russell, P. (1999) "Religious travel in the new millennium", p39 68. Trvel & Tourism Analyst 5; Smith, V.L. (1992) "Introduction: the quest in quest", p1 7. Annals of Tourism Research 19.



استفاده می‌شود؛ مثلاً «عزیز» در بررسی گردشگری در کشورهای عربی اسلامی می‌نویسد: «برخی از صاحب‌نظران، حج را زیرمجموعه مفهوم کلی گردشگری نمی‌دانند و بحث در این مورد همچنان ادامه دارد». ^۱ راسل تعریف مناسب‌تری از گردشگری دینی ارائه می‌دهد: «گردشگر دینی، کسی است که با اهداف دینی به یک مکان مقدس می‌رود». ^۲ از نظر راسل گردشگر دینی از گردشگر میراث دینی متفاوت است؛ زیرا گردشگر میراثی، برای شناخت میراث نیاکان خود از یک مکان دینی و مقدس دیدن می‌کند؛ درحالی‌که هدف گردشگر دینی، تعالی روح است.

آنچه تعریف گردشگری دینی را دشوارتر می‌کند، برخی واژه‌های مشابه است؛ مانند: گردشگری معنوی. تمرکز گردشگری مذهبی بر بازدید از اماکن و بناهای یادبود یا مقصدهای مذهبی است و هدف اولیه آن، تقویت یک عقیده یا اظهار همراهی با آن است؛ حال آنکه هدف گردشگری معنوی، کاوش عناصری از زندگی است که در ورای

1. Aziz, H. (2001) "The journey: an overview of tourism and travel in the Arab Islamic context", p155, in D. Harrison (ed) *Tourism and the less Developed World: Issues and Case Studies*, Wallingford: CABI.
2. Russell, P. (1999) "Religious travel in the new millennium", p 40, *Travel & Tourism Analyst* 5.



خوبیشتن فرد قرار دارند و به تعامل جسم و ذهن و روح او کمک می‌کنند. این عناصرز ممکن است با دین ارتباط داشته یا نداشته باشند.^۱

مهم‌ترین ویژگی گردشگران دینی در مقابل گردشگران دینی عبارت‌اند از: وابستگی به یک دین یا گروه دینی خاص، علاقه‌مند به جست‌وجوی روشنگری دینی، لذت بردن از دیدن سایت‌ها و چشم‌اندازهای دینی ویژه، همدلی با سایر گردشگران مذهبی، مشارکت در سلوک آیینی، طلب وصال یا رستگاری معنوی.

در مقابل مهم‌ترین گردشگران معنوی: داشتن رویکردی چند عقیده‌ای، علاقه‌مند به شکوفایی معنوی شخصی، لذت بردن از دیدن چشم‌اندازهای معنوی و عرفانی، جویای تعامل با اجتماعات محلی و بومی، مشارکت احتمالی در آیین‌ها و مناسک، امید به هماهنگی جسم و ذهن و روح.

بدیهی است که گردشگری دینی و معنوی از حیث فعالیت، ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند؛ ولی انگیزه این گردشگران می‌تواند بسیار متفاوت باشد. سفرهای فراوانی در طول

1. Chakravarty, R. (2012). Tourism of faith religious tourism gains ground, p12 17. New Delhi: India Strategic initiatives & Government Advisory (SIGA) Team, (April), www.ficci.com.

تاریخ برای نیل به روشنگری معنوی صورت گرفته است؛ ولی در جوامع پست مدرن این انگیزه‌ها ماهیت غیر دینی تری پیدا می‌کنند.

یکی دیگر از دشواری‌های تعریف گردشگری دینی این است که افراد متعددی از اماکن مذهبی دیدار می‌کنند. در واقع ابعاد گوناگون فرهنگی، معماری و تاریخی اماکن مذهبی در کنار ابعاد دینی آن، سبب می‌شود بازدیدکنندگان آن فقط به زائرانی که بر اساس ایمان به عقائد خود در مکان حضور پیدا می‌کنند، منحصر نشود. بسیاری از اماکن، یادمان‌ها و مقصدهای مذهبی، حتی آن دسته از گردشگران میراث فرهنگی که وابستگی‌های مذهبی ندارند را نیز جذب می‌کنند. برخی از گردشگران، انگیزه‌های متعددی از بازدید دارند؛ مانند: باورهای مذهبی، علاقه به معماری خاص مکان زیارتی و ارزش‌های تاریخی آن. از لحاظ نظری، گردشگری مذهبی تنها بازدیدکنندگانی را شامل می‌شود که به گروه مذهبی خاصی تعلق دارند و اساساً با هدف افزایش معرفت یا اظهار همراهی با کیش و عقیده خود اقدام به سفر می‌کنند.

دشواری دیگر تعریف گردشگری دینی این است که ارائه یک مجموعه ویژگی برای این نوع گردشگران نیز کار دشواری است؛ زیرا می‌توانند از هر سن، جنسیت یا ملیتی



باشند. در این بین، ماهیت عقیده یا دین می‌تواند به ما کمک کند بدانیم که چه درصدی از پیروان آن عقیده، جویای گردشگری مذهبی هستند؛ برای مثال انتظار می‌رود تمام مسلمانان حداقل یکبار در دوران حیات خود به حج بروند.

دشواری دیگر تعریف گردشگری دینی در تعدد و تنوع مکان‌های زیارتی است. یکی از بهترین طبقه‌بندی‌های ارائه شده از جاذبه‌های گردشگری مذهبی متعلق به نولان و نولان است. آنها سه گروه از این نوع جاذبه‌ها را از هم تفکیک می‌کنند:

۱. مرقد‌های زیارتی: مکان‌هایی که هدف سفرهای مذهبی هستند و در محل معمول زندگی مسافر قرار ندارند.

۲. جاذبه‌های گردشگری مذهبی: ساختارها یا سایت‌هایی با ارزش مذهبی که اهمیت تاریخی یا هنری نیز دارند.

۳. جشنواره‌هایی با مضامین مذهبی.^۱

در مجموع با توجه به ابعاد گوناگون گردشگری دینی باید رویکردی چندجانبه را در نظر گرفت. بر این اساس «هیتریک»، گردشگری مذهبی را مفهومی هم‌افزا و ترکیبی

1. Nolan, M.L. and Nolan, S. (1992). Religious sites as tourism attractions in Europe, p68 78, Annals of Tourism Research, 19(1).



و به عنوان پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی و دارای ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مطرح می‌کند و مطالعه آن را با توجه به برخورداری از موضوعات و کارکردهای متفاوت، نیازمند اتخاذ رویکردی میان‌رشته‌ای به منظور یافتن یک پایه نظری کافی برای یافتن پاسخ‌های علمی به مشکلات می‌داند؛ اما در عین حال توریسم مذهبی را از منظر نقش آن در تنظیم قواعد رفتاری پراهمیت قلمداد می‌کند و نقش دولت‌ها را در حمایت معنوی و تقویت چشم‌انداز بشردوستانه گردشگری مذهبی مؤثر می‌داند.^۱

در یک تعریف کلی می‌توان گردشگری مذهبی را گونه‌ای از گردشگری دانست که شرکت‌کنندگان در آن دارای انگیزه‌های مذهبی (منحصراً یا به صورت ترکیب با سایر انگیزه‌ها) هستند که از اماکن مقدس - نظیر کلیساها، مساجد، مقابر امامزاده‌ها و نظایر آنها - بازدید می‌کنند.

با توجه به تعریف بالا، می‌توان دو دسته مختلف از گردشگران مذهبی را مورد شناسایی قرار داد: دسته اول کسانی که از اماکن مقدس دین خود بازدید می‌کنند؛ مانند مسلمانانی که به زیارت اماکن مقدس خود - نظیر کعبه، عتبات عالیات یا سایر اماکن

1. Hitrec, T. (1990). Development . Characteristics . Perspectives, p9 49 . Acta Turistica, 2 (1).



متبرکه - می روند و دسته دوم، کسانی که از اماکن مقدس سایر ادیان دیدن می کنند؛ مانند کسانی که مسیحی نیستند، اما از کلیساهای نقاط مختلف بازدید می کنند یا مسیحیانی که به دیدن معابد بودایی ها یا سایر ادیان می روند.

با این حال با تفکیک هرچه بیشتر معنویت و دین در دنیای مدرن و نیز دیدگاه های متفاوتی که در مورد گردشگری وجود دارد، به نظر می رسد بحث در مورد این نوع گردشگری همچنان ادامه داشته باشد.

گردشگران مذهبی یا زیارتی؟!

معمولاً در توضیح حقوق گردشگران مذهبی این نکته مغفول واقع می شود که باید بین گردشگران مذهبی و گردشگران زیارتی تمایز قائل شد. گردشگران زیارتی کسانی هستند که قصد آنها از زیارت فقط انجام امور مذهبی مانند انجام اعمال و مناسک مذهبی و دینی است؛ اما گردشگران مذهبی به این حالت نیستند؛ گرچه که آنها هم ممکن است هدفشان انجام مناسک و اعمال باشد، اما هدفشان عام تر است. به تعبیر منطقی، گردشگران مذهبی عام تر از گردشگران زیارتی هستند. هدف گردشگران مذهبی هم می تواند انجام مناسک باشد و هم فراتر از آن؛ مانند بازدید از جاذبه های گردشگری



دینی، خانقاه‌ها، صومعه‌ها، کلیساها، حسینیه‌ها، امامزاده‌ها، بقعه‌ها، مساجد و امثال اینها.

از این رو در مفهوم گردشگران مذهبی حتی کفار و غیر مسلمانان هم قرار می‌گیرند؛ اما گردشگران زیارتی تنها شامل معتقدان و پیروان آیینی خاصی می‌شود؛ نه شامل کسان دیگر.

محققانی همچون الیاده،^۱ ترنر،^۲ و کونیچ^۳ و اسمیت^۴ برای یافتن رابطه بین زیارت و گردشگری تلاش‌های زیادی کرده‌اند.

«برمر» سه دیدگاه عمده مربوط به تقابل میان دین و گردشگری بیان می‌کند:
۱. دیدگاه مکانی: زائران و دیگر گردشگران با وجود رفتارهای زمانی - مکانی متفاوت، به مکانی واحد مسافرت می‌کنند.



1. Eliade, M. (1969) Images and Symbols, New York: Sheed and Ward.
2. Turner, V. (1973) "The center out there: pilgrim's goals", p 191 230. History of Religion 12.
3. Vukonic, B (1996) Tourism and Religion, Oxford: Elsevier.
4. Smith, V.L. (1992) "Introduction: the quest in quest", p1 11. Annals of Tourism Research 19.

۲. دیدگاه تاریخی: رابطه بین شکل های مذهبی سفر و گردشگری.

۳. دیدگاه فرهنگی: زیارت و گردشگری، هر دو به عنوان فعالیت های مدرن در دنیای

پسامدرن.^۱

در پژوهش هایی که زائر و گردشگر مقایسه شده اند، سه رویکرد متفاوت به چشم

می خورد:

دیدگاه اول - که طرفداران بیشتری نیز دارد - بر این است که زائر و گردشگر، اگرچه

یکی و همسان نیستند، تفاوت چندانی نیز با یکدیگر ندارند.^۲ در این دیدگاه زائران و

گردشگران به لحاظ ساختاری و مکانی یکی هستند یا از عناصر یکدیگر تشکیل شده اند.^۳

کسانی که می گویند زائر و گردشگر یکسان هستند، برای نظر خود این دلایل و

مؤیدات را بیان می کنند:

1. Bremer, T.S. (2005), "Tourism and religion", in L. Jones (ed.) Encyclopedia of Religion, Detroit: Macmillan.
2. Cohen E. (1998) "Tourism and religion: a Comparative perspective", p1 10, Pacific Tourism Review 2.
3. Graburn, N.H.H. (1983) "The anthropology of tourism", p16, Annals of Tourism Research 10.



۱. سفر زیارتی ویژگی‌های کلی الگوهای گردشگری و استفاده از سیستم حمل و نقل و سایر خدمات و زیرساخت‌ها را دارد.^۱

۲. سفر زیارتی شامل سیاحت، گشت‌وگذار، بازدید از مکان‌های مختلف و همچنین خرید یادگاری و سوغات نیز می‌شود.^۲

به عبارت دیگر زائران نیز فعالیت‌های عادی گردشگری انجام می‌دهند.^۳ بنابراین می‌توان گفت زائران و گردشگران در اصول پایه‌ای سفر (اوقات فراغت، کسب درآمد، رعایت قوانین اجتماعی) و در بیشتر زیرساخت‌ها با هم مشترک هستند.^۴

کسانی که زیارت را یکی از انواع گردشگری می‌دانند، انگیزه را معیار مناسبی برای تعریف انواع گردشگری نمی‌دانند و صرف سفر و دور شدن از محل زندگی شخصی را



1. Fleischer, A. (2000) "The tourist behind the pilgrim in the Holy Land", p311 326, International Journal of Hospitality Management 19.
2. Gupta, V. (1999) "Sustainable Tourism: learning from Indian religious traditions", p91, International Journal of Contemporary Hospitality Management 11 (2/3).
3. Eade, J. (1992) "Pilgrimage and tourism at Lourdes, France", p18 32, Annals of Tourism Research 19.
4. Smith, V.L. (1992) "Introduction: the quest in quest", p1 17, Annals of Tourism Research 19.

در زمره گردشگری قرار می‌دهند. از نظر آنها فعالیت‌های گردشگران در حین سفر، آنها را در دسته‌بندی‌های خاص گردشگری قرار می‌دهد. در این نظام دسته‌بندی، زیارت یکی از انواع گردشگری است که در آن فعالیت‌های گردشگری انجام می‌شود. در نتیجه زائر، گردشگری است که به خاطر اهداف معنوی یا دینی به سفر می‌رود.^۱

البته از دیدگاه نظام‌ها و سازمان‌های دینی، این نوع دسته‌بندی، جامع و صحیح نیست؛ زیرا زائران را با گردشگران لذت‌طلب که ویژگی اخلاقی پایینی دارند، در یک گروه قرار می‌دهد.

تا اینجا بحث در این بود که زیارت نوعی گردشگری است؛ ولی برخی در مقابل معتقدند گردشگر هم نوعی زائر است که به دنبال تعامل با دیگر فرهنگ‌ها و کسب تجربه‌های جدید است. «ترنر» در این مورد می‌گوید: «زائر یک نیمه‌گردشگر و گردشگر یک نیمه‌زائر است».^۲ برخی نیز در حاشیه بحث در مورد بازدید از بناهای تاریخی

1. Timothy, D.J. and Body, S.W. (2003) Heritage tourism, Harlow: Prentice Hall; Timothy, D.J (2002) "Sacred Journeys: religious heritage and tourism", p3 6, Tourism Recreation Research 27 (2).
2. Turner, V. and Turner, E (1978) Image and Pilgrimage in Christian Culture, p20, New York: Columbia University Press.



می‌گویند: «اگرچه هدف اصلی این بازدیدها آشنایی با میراث فرهنگی و معماری این مکان‌هاست، اما بسیار دیده شده است که گردشگران در چنین فضاهایی تحت تأثیر احساسات دینی و مذهبی خود قرار گرفته‌اند».^۱

«ایاد» نیز معتقد است گردشگران هم می‌توانند مانند زائران در شرایط مشابه تحت تأثیر احساسات مذهبی خود قرار گیرند.^۲ «هانت» نیز می‌گوید: «در روم باستان سفرهایی که از روی کنجکاوای انجام می‌شد، هیچ‌گاه از عناصر تقوا و تدین که زابیده برخوردار با مکان‌های مرتبط با زندگی پیشینیان است خالی نبوده است».^۳

بر اساس یکسان‌نگاری زیارت و گردشگری، مدیریت اماکن مربوط به آن دو نیز شبیه به یکدیگرند. بسیاری از دغدغه‌ها و چالش‌های پیش روی مدیران و دست‌اندرکاران محیط‌های مقدس و مذهبی، همان چالش‌هایی است که در سایر اماکن گردشگری هم



1. Jackson R.H. and Hudman, L. (1995) "Pilgrimage tourism and English Cathedrals: the role of religion in travel", p40 48. The Tourist Review 4.
2. Eade, J. (1992) "Pilgrimage and tourism at Lourdes, France", p18 32. Annals of Tourism Research 19.
3. Hunt, E.D. (1984), "Travel, Tourism and Piety in the Roman Empire: a Context for the Beginnings of Christian pilgrimage", p408, Echos Du Monde Classique 28.

دیده می‌شود.^۱

دیدگاه دوم بر این باور است که زائران هیچ شباهتی با گردشگران ندارند. طبق این دیدگاه مسافرانی که انگیزه‌ها و تعهدات عمیق معنوی و مذهبی دارند با آنان که با هدف لذت، آموزش، کنجکاوی، استراحت و نوع دوستی سفر می‌کنند، کاملاً متفاوتند.^۲ بر اساس

این دیدگاه زائر به سوی مرکز جهان خویش حرکت می‌کند و گردشگر از مرکز جهان خود دور می‌شود و به سوی یک مکان لذت بخش سفر می‌کند. این دو دسته، ارزش‌های متفاوتی در سر می‌پروراندند.^۳ در این دیدگاه زائر و گردشگر بر پایه الگوهای مسافرتی و فعالیت آنها بررسی نمی‌شود؛ بلکه بر اساس انگیزه‌های سفر تعریف می‌شوند.

در مقابل طرفداران نظریه قبل که معتقد بودند گردشگران افرادی لذت‌گرا نیستند تا

1. Shaclely, M. (2003), "Management challenges for religion . based attractions", in A. Fyall, B. Garrod and A. Leask (eds) Managing Visitor Attractions: New Directions, Oxford: Butter Worth Heinemann.
2. De Sousa, D. (1993), "Tourism and Pilgrimage: Tourists ad Pilgrims?", p4 8, Contours (6).
3. Cohen, E. (1992), "Pilgrimage centerse: Concentric and excentric", p33 50, Annals of Tourism Research, 19.

تنها هدفشان از مسافرت تفریح و سرگرمی باشد، طرفداران این نظریه معتقدند چنین دید کلیشه‌ای در مورد گردشگران کاملاً غیر معقول و سطحی‌نگرانه است.^۱

این دیدگاه نگرش یکسان‌انگاری زائر و توریسم را به پس از رنسانس مربوط می‌داند که با تغییر چارچوب‌های معنایی جامعه، سفرهای زیارتی سنتی به زیارت‌های غیر مذهبی مدرن تبدیل شد.^۲ این دیدگاه معتقد است اگرچه زائران و گردشگران از مکان‌هایی که شالوده واحدی دارند، دیدن می‌کنند و در فعالیت‌های مشابهی شرکت می‌کنند، اما انگیزه آنها برای سفر متفاوت است. زائران یا گردشگران مذهبی خاستگاه معنوی دارند؛ درحالی‌که خاستگاه دیگر انواع گردشگران تفریح و کسب دانش جدید از آن مکان بر حسب تاریخ، آداب و رسوم و معماری محلی است. زائران فعالانه در مراسم مذهبی گوناگون شرکت می‌کنند؛ درحالی‌که گردشگران همچون تماشاگران تنها نظاره‌گر اعمال



1. Digance, J. and Cusack, C. (2002) "Glastonbury: a tourist town for all seasons" p265, in G.M.S. Dann (ed.) the Tourist as Metaphor of the Social World, Wallingford: CABI.
2. Lutz, Kaelber, " Paradigms of travel From medieval pilgrimage to the postmodern virtual tour" p50 55, in Tourism, Religion and Spiritual Journeys, Dallen J. Timothy and Daniel H. Olsen, routledge, taylor & francis group, London and New York, 2006.

زائران هستند.^۱

بر این اساس مکان‌های مقدس با مکان‌های گردشگری کاملاً متفاوت هستند. علاوه بر ظاهر و مشخصه‌های فیزیکی، این‌گونه مکان‌ها اهداف و کارکردهای متفاوتی نیز دارند. هسته مرکزی این‌گونه بناها بر عبادت و نیایش استوار شده و هدف اصلی آنها ایجاد فضایی مناسب برای عبادت است؛ اما هدف اصلی مکان‌های گردشگری غیر دینی تفریح و ایجاد سرگرمی است.^۲

دیدگاه سوم سعی دارد نظری بینابین اتخاذ کند و زیارت و گردشگری را دو طرف یک طیف بداند^۳ که گردشگری دینی نقطه میانی آن است.^۴



1. Jutla, Rajinder S., " Pilgrimage in Sikh tradition" , p 207 , in Tourism, Religion and Spiritual Journeys, Dallen J. Timothy and Daniel H. Olsen, routledge, taylor & francis group, London and New York, 2006.
2. Millar, S. (1999) "An overview of the Sector", in A. Leak and I. Yeoman (eds) Heritage Visitor Attractions: An Operations Management Perspective, London: Cassell.
3. Smith, V.L. (1992) "Introduction: the quest in quest", p1 17, Annals of Tourism Research 19.
4. Fleischer, A. (2000) "The tourist behind the pilgrim in the Holy Land", p 311 326, International Journal of Hospitality Management 19.

البته برخی این طیف‌بندی را مفید، ولی موقت می‌دانند؛ زیرا معانی چندگانه و چندلایه‌ای سفر زیارتی را پوشش نمی‌دهد و نمی‌تواند اهداف و انگیزه‌های محتوایی و معنوی زائران را منعکس کند.^۱

ماهیت حقوق گردشگران مذهبی در کشورهای اسلامی

تقسیم‌بندی هوفلد در علم حقوق معروف است و در تقسیمات حقوق استفاده می‌شود. هوفلد انواع حق را به چهار دسته تقسیم می‌کند: ادعا، آزادی، قدرت و مصونیت.^۲



1. Graham. B and Murray، M. (1997) "The spiritual and the profane: The Pilgrimage to Santiago de Compostela"، p401، Ecumene 4 (4) .

۲. بحث از ابعاد مختلف موضوع حق، از مباحث مهم و ریشه‌ای فلسفی در حوزه حقوق و سیاست است. در میان این‌گونه مباحث، تقسیمی وجود دارد که امروزه به یکی از شاخص‌ترین مباحث مربوط به فلسفه حق در مغرب‌زمین تبدیل شده است. این تقسیم از سوی «وسلی هوفلد» آمریکایی مطرح شده است. به اعتقاد وی در تقسیمات رایج درباره حق، ویژگی‌های مهمی از این مفهوم، نادیده گرفته شده که این غفلت مشکلاتی را پدید آورده است. وی با بهره‌گیری از شیوه‌های فلسفی و متون حقوقی موجود در مغرب‌زمین، حق قانونی را به چهار نوع (ادعا، آزادی، قدرت و مصونیت) تقسیم، و روابط میان این چهار نوع را نیز تبیین کرده است؛ مثلاً تلازم حق و تکلیف را تنها در حق ادعا پذیرفته و در سایر انواع حقوق قانونی، انکار کرده است.

حال سؤال این است که حقوق گردشگران مذهبی در کدام یک از این دسته‌ها قرار می‌گیرد؟ اگر پاسخ این سؤال مشخص شود، تعهدات دولت‌ها نسبت به تأمین حقوق گردشگران مذهبی، گستره تعهدات دولت‌ها و مسئولیت کشورها در قبال نقض حقوق گردشگران مذهبی مشخص خواهد شد.

حقوق طبیعی و عمومی (حقوق بنیادین) گردشگران را می‌توان در زمره حق ادعاها قرار داد؛ به این معنا که با احتساب یک حق در زمره حقوق گردشگران مذهبی، در مقابل، تکلیفی برای دولت‌ها ایجاد خواهد شد؛ اعم از دولت زائر فرستنده یا دولت زائر پذیر. حقوق خاص گردشگران، نیازمند بررسی تفصیلی است؛ برای نمونه: حق دسترسی گردشگر به مقامات سفارت کشور متبوعش (حق دسترسی کنسولی)، هم از حق ادعاها و هم از حق مصونیت‌هاست. حق جبران خسارت گردشگر توسط دولت یا آژانس‌های گردشگری، در زمره حق قدرت‌ها قرار می‌گیرد؛ چه جانی، چه مالی. خسارت جانی از دسته حقوق بنیادین و حقوق طبیعی است. حق ورود به کشور مقصد بدون اخذ ویزا در زمره حق آزادی‌ها یا حق امتیازها قرار می‌گیرد. حق ورود مقدار مشخص ارز به کشور توسط گردشگر دینی از دسته حق ادعاها محسوب می‌شود.



سازوکارهای حقوقی و غیر حقوقیِ حقوق گردشگران مذهبی

سازوکارهای حقوقی و غیر حقوقی گردشگران مذهبی را می توان در سه دسته کلی تقسیم بندی کرد:

۱. سازوکارهای مربوط به سطح هنجاری که منابع قاعده گذاری در مورد حقوق زائران را شامل می شود.

۲. سازوکارهای جوهری که مربوط به نص حقوق و آزادی های گردشگران است.

۳. سازوکارهای نهادی؛ شامل: ساختارها و ارگان های تأمین کننده، فرایندها و رویه های حقوق گردشگران. محاکمی که به ترافع و دادخواهی گردشگران دینی پاسخ می دهند و دولت ها و نهادهای پلیسی که مسئول تأمین امنیت هستند، در دسته سوم قرار می گیرند.

تقریباً مباحث هنجاری و مباحث نهادی در کشورهای مثل مالزی، ترکیه، عربستان، سوریه و ایران وجود دارد. آن چیزی که محل بحث است، سازوکارهای جوهری است.



اصالت الحق (اصالت الإباحه)

اولین سازوکاری که برای تأمین حقوق گردشگران مذهبی در پنج کشور مالزی، ترکیه، عربستان، سوریه و ایران به کار می‌رود، بهره‌گیری اصالت الحق یا اصالت الاباحه در مواجهه با گردشگران مذهبی است؛ البته معمولاً عربستان استثنا می‌شود؛ چراکه معمولاً این سازوکارها در کشور عربستان یا کم‌رنگ شده یا اساساً وجود ندارد.

پرسش مهمی که در رویکرد اول در سازوکار اول وجود دارد این است که آیا گردشگر مذهبی باید از حقوقی برابر حقوق اتباع کشور مقصد برخوردار باشد یا صرف برخورداری از حقوق حداقلی و حقوق بنیادین کفایت می‌کند؟

رویکرد کلی مفسران قوانین در این پنج کشور این است که دولت‌ها رویکرد اصالت الاباحه و اصالت الحق دارند؛ به این معنا که اگر گردشگری شک کرد یک مورد جزو حقوق گردشگران مذهبی هست یا نه، آن را جزو حقوق گردشگران مذهبی می‌گذارند؛ البته مشروط بر اینکه دلیل خارج‌کننده‌ای نداشته باشد و قانون این اصل را زیر سؤال نبرده باشد.

بنابراین به طور کلی می‌توان گفت حقوق گردشگران مذهبی در این پنج کشور



(به استثنای عربستان) فقط محصور و محدود به حقوقی که در قوانین و مقررات شمرده شده، نیست. در واقع قوانین در مقام تمثیل و شمردن نمونه‌هایی از حقوق گردشگران هستند؛ نه در مقام تبیین و حصر همه حقوق گردشگران.

یکی از حقوق مهمی که در این پنج کشور وجود دارد، تعهدات پسینی ایجابی دولت‌ها نسبت به حیات گردشگران مذهبی است؛ مانند تحویل اجساد افراد قربانی، در هنگام انجام مراسم و مناسک مذهبی به خانواده قربانیان و انجام آیین‌های مخصوص تدفین اجساد کشته‌هایی که گردشگران مذهبی هستند.

عربستان از این پنج کشور جدا می‌شود؛ زیرا در فاجعه منا هر دوی این حقوق رعایت نشد و نقض شد؛ چنان‌که برخی از اجساد بدون رعایت تشریفات و آیین‌های تدفین، دفن شدند یا اینکه ارتباطی بین خانواده قربانیان و اجساد کشته‌ها برقرار نشد. علت این اتفاق این است که دولت عربستان سعودی این حق را بدین معنا که همه دنیا باید بپذیرند و عمل کنند، نپذیرفته است. در نتیجه در مقام عمل هم رعایت نمی‌کند. برای اینکه عربستان به این قواعد حقوق بین‌المللی پایبند شود، باید فشار بین‌المللی ایجاد کنیم. آن‌قدر باید در سطح جهانی مطالبه شود تا به افکار عمومی



تبدیل شود؛ به طوری که همه این حق را بخواهند. در این صورت به دنبال افزایش هزینه و فشار بین المللی، عربستان هم تغییر رویه خواهد داد؛ مثلاً در مورد اعتراض به تخریب اماکن مقدس در عربستان می توان از ظرفیت قواعد یونسکو در مورد میراث فرهنگی بشریت استفاده کرد؛ زیرا برخی اماکن وقتی قدمت خیلی بالایی داشته باشد - صرف نظر از اینکه ما به آن نگاه دینی داریم - میراث بشریت محسوب می شود و تمام بشریت در قبال آن مسئولند.

همپوشانی فتوا و قانون

دومین سازوکار جوهری - که مربوط به نص حقوق و آزادی های گردشگران است - همپوشانی فتوا و قانون نام دارد. بر این اساس در مواردی که قانون نقص دارد، گزاره های مذهبی تکمیل کننده و تأمین کننده حقوق گردشگران مذهبی است. البته این سازوکار در کشورهای اسلامی است چنان که با این رویکرد در برخی از کشورها مثل عراق و ایران، فتاوی در مورد لزوم تألیف قلوب و لزوم رویکرد امت محوری یا امت باوری، در گسترش حقوق گردشگران مذهبی نسبت به گردشگران تجاری، گردشگران درمانی و گردشگران جنگی مؤثر بوده است.



از دیگر مثال‌های این نوع از سازوکار، حرمت تنفیذ از دین و معرفی کردن اماکن مذهبی به عنوان انفال و میراث مشترک بشری است؛ به این معنا که همه بشریت بر این اماکن مذهبی حق دارند و باید لوازم تحقق این حق توسط دولت‌ها فراهم شود.

این موارد باعث شده است که حقوق حداکثری و آزادی حداکثری برای گردشگران مذهبی وجود داشته باشد؛ ولی برای بقیه گردشگران، مناقشاتی برای رسیدن به این نوع حقوق وجود دارد؛ مانند اینکه آیا می‌توان از نظر فقهی و حقوقی، محلی را به نام منطقه آزاد گردشگری در جنوب کشور یا در شمال کشور ایجاد کرد که گردشگران کشورهای دیگر در آن منطقه از قیود شرعی مانند نوشیدن مشروبات الکلی یا حجاب آزاد باشند؟!



پذیرش اقلیت‌ها

سومین سازوکار از دومین نوع سازوکارهای حقوقی و غیر حقوقی، پذیرش اقلیت‌هاست؛ همان‌طور که در حاکمیت سیاسی کشورهای زائرپذیر، اقلیت‌ها پذیرفته شدند. پذیرش اقلیت‌ها سبب شد آنها به عنوان یک واقعیت در حوزه گردشگری شناخته شوند و برای آنها حقوقی در نظر گرفته شود و از ورود آنها به اماکن گردشگری

جلوگیری نکنند.

رویکرد کشورهای اسلامی به سمت قانونگذاری کرامت محور رفته که نمود زیادی در قوانین این کشورها داشته است. این نوع قانونگذاری سبب شده ورود کفار به اماکن دینی مورد بررسی قرار گیرد و از احتمال های خلاف فتاوی قطعی اسلامی چشم پوشی شود؛ برای نمونه قانونگذاری ها به سمت پذیرش ورود اقلیت ها به مساجد و مشاهد مشرفه رفته است؛ البته مناقشات فقهی در مورد ورود به مسجد الحرام وجود دارد. استثنا شدن عربستان از دیگر کشورهای اسلامی، مؤید همین مطلب است.

ریشه های نظریه این دیدگاه را در کشور سوریه می توان یافت:

- یکی از قوانین سوریه حق عبور و مرور آزادانه گردشگران است. بر این اساس همه کسانی که از سوریه بازدید می کنند، نیاز به روادید دارند؛ اما اتباع الجزایر، بحرین، مصر و ایران مستثنا هستند.

- گردشگر زیارتی هیچ محدودیتی برای ورود ارز خارجی به سوریه ندارد؛ به شرط آنکه مبلغ همراه مسافر در هنگام خروج از کشور از مبلغ اعلام شده به هنگام ورود بیشتر نباشد.



- در سوریه نسبت به عوارض گمرکی، بردن سوغاتی‌ها، هدایا، اموالی که در آنجا کسب کردند و امثال این موارد، نسبت به کشورهای دیگر، آزادی‌های بیشتری در نظر گرفته شده است.



سازمان ها و مجامع بین المللی حقوق گردشگری

دکتر مشهدی

شناسایی و معرفی سازمان ها و مجامع بین المللی حقوق گردشگری

سازمان ها و مجامعی که در زمینه حقوق گردشگری به معنای عام فعالند، متعدد هستند؛ ولی در مورد گردشگری مذهبی هیچ سازمان یا مجمع حقوقی بین المللی وجود ندارد؛ البته مجامع و سازمان هایی وجود دارند که در صلاحیت های آنها گردشگری مذهبی یا زیارتی به صورت ضمنی تعریف شده است. سازمان های خصوصی نیز در مورد حقوق گردشگران مذهبی، فعال نیستند.

سازمان‌هایی که به معنای عام فعالیت می‌کنند را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. مجامع دولتی یا مجامع بین‌المللی جهانی که شامل حقوق داخلی نمی‌شود. مجامع دولتی، مجامعی هستند که یا صراحتاً وظیفه اصلی‌شان، حقوق گردشگر است یا بر حسب وظایفشان می‌توانند به این بحث وارد شوند. معروف‌ترین سازمان بین‌المللی، سازمان جهانی گردشگری (UNWTO) است. ۱ این سازمان از مؤسسات

۱. سازمان جهانی گردشگری بهترین سازمان بین‌المللی مرتبط با سفر و گردشگری است. این سازمان در جهت توسعه گردشگری در سراسر جهان فعالیت، و هر ساله گزارشی از تحقیقات و آمارهای خود منتشر می‌کند. این سازمان یکی از آژانس‌های رسمی سازمان ملل متحد است. مقر این سازمان در شهر مادرید در اسپانیا قرار دارد. این سازمان محل گفت‌وگوی کشورها درباره سیاست‌ها و تجارب عملی آنها درباره دانش گردشگری است. سازمان جهانی گردشگری نقش مرکزی و مهمی در بهبود وضعیت تعهد و امکانات کشورهای در حال توسعه در زمینه گردشگری دارد.

سنگ بنای شکل‌گیری اولیه این سازمان در لاهه در سال ۱۹۲۵ میلادی و با تأسیس اتحادیه بین‌المللی سازمان رسمی تبلیغات گردشگری پی‌ریزی شد. این اتحادیه پس از جنگ جهانی دوم به عنوان اتحادیه بین‌المللی سازمان‌های رسمی گردشگری (IUOTO) فعالیت می‌کرد و سپس به سازمان جهانی گردشگری (WTO) تغییر کرد. نخستین جلسه عمومی آن در سال ۱۹۷۵ میلادی در مادرید اسپانیا تشکیل شد.

از سال ۱۹۷۶ سازمان جهانی گردشگری به سازمان ملل وابسته شد و به آژانس اجرایی برنامه‌های توسعه سازمان ملل تبدیل گشت. کشور ایران سال ۱۳۹۲ به عنوان نایب رئیس مجمع عمومی سازمان جهانی



تخصصی سازمان ملل متحد است که سال ۱۹۷۵ در مادرید اسپانیا تأسیس شد و به صورت عام، متولی اصلی مسئله گردشگری در سطح ملل متحد است.

گردشگری برگزیده شد و از سال ۲۰۱۴ تا سال ۲۰۱۷ در عضویت شورای اجرایی و کمیته بررسی عضویت اعضای وابسته این سازمان بود.

سازمان جهانی گردشگری موظف به اجرای اهداف توسعه هزاره، کاهش فقر و گسترش توسعه پایدار است. وظیفه اصلی این سازمان، سیاستگذاری در حوزه گردشگری بین‌المللی است و در مباحث فنون مرتبط با گردشگری نیز فعالیت می‌کند.

سازمان جهانی گردشگری همچنین به وسیله متقاعد کردن کشورهای عضو از طریق معرفی توریست‌ها، حداکثر سود اقتصادی که گردشگران می‌توانند با خود به همراه بیاورند و تأثیرات اجتماعی و فرهنگی ناشی از توسعه گردشگری و همچنین کاهش تأثیرات زیست‌محیطی و تأثیرات منفی اجتماعی آنها، برای اجرایی شدن قوانین جهانی اخلاق حرفه‌ای در گردشگری تلاش می‌کند.

سازمان جهانی گردشگری آمار و ارقام و تحقیقات بازار گردشگری را نیز انجام می‌دهد. این تحقیقات در دنیای گردشگری بسیار اهمیت دارد. به موجب این تحقیقات و پژوهش‌های این سازمان، استانداردهای بین‌المللی برای اندازه‌گیری تأثیرات گردشگری در اقتصاد ملی و پیش‌بینی روند آتی توسعه آن در دسترس دولت‌ها و پژوهشگران قرار می‌گیرد.

این سازمان تلاش می‌کند از طریق کمک به حذف ویزا و بوروکراسی وقتگیر حکومتی و ایجاد یک استاندارد کلی صدور گذرنامه و روادید، باعث تسهیل سفر و گردشگری شود.

۱۵۷ کشور، منطقه و بیش از سیصد عضو وابسته به نمایندگی بخش خصوصی، مؤسسات آموزشی، شرکت‌های جهانگردی و مراجع صلاحیت‌دار محلی در این سازمان عضو هستند.



از اساسنامه برخی مجامع بین المللی - به صورت ضمنی - می توان فهمید که در زمینه گردشگری فعال هستند. برخی از آنها عبارت اند از:

- یونسکو^۱ می تواند در فعالیت های در مورد میراث های فرهنگی به میراث های مذهبی هم بپردازد.

- سازمان جهانی بهداشت^۲ در مورد سلامت و بهداشت عمومی زائران در شرایط

۱. یونسکو سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد است که با هدف کمک به ایجاد صلح، ریشه کن کردن فقر، توسعه پایدار و گفت و گوی بین فرهنگی از طریق آموزش، علوم، فرهنگ، ارتباطات و اطلاعات به وجود آمده است. افزون بر دفاتر ملی و منطقه ای، یونسکو ۱۹۳ کشور عضو رسمی و ۱۱ عضو وابسته دارد.

یونسکو به دنبال ایجاد فرهنگ صلح و دانش فراگیر از طریق اطلاعات و ارتباطات است. برای این منظور، اهداف خود را از طریق پنج حوزه اصلی دنبال می کند: آموزش، علوم طبیعی، علوم اجتماعی / انسانی، فرهنگ و ارتباطات / اطلاعات. این برنامه از پروژه های مرتبط با سواد، آموزش فنی، آموزش، پیشرفت علم، ترویج رسانه های مستقل و آزادی مطبوعات، حفظ تاریخ منطقه ای و فرهنگی و ترویج تنوع فرهنگی حمایت می کند.

۲. سازمان جهانی بهداشت (World Health Organization)، یکی از آژانس های تخصصی سازمان ملل متحد است که نقش مرجعیت سازمان دهنده را در بهداشت جامعه جهانی ایفا می کند. این آژانس در ۶ آوریل سال ۱۹۴۸ در ژنو (واقع در سوییس) تأسیس شد و حکم سرپرستی و منابعش را از سازمان بهداشت سابق - که خود آژانسی در جامعه ملل بود - برگرفت.



کرونا بی فعالیت هایی انجام داده است.

- برنامه زیست محیطی سازمان ملل^۱ در مورد محیط زیست و مسائل زیست محیطی

زوار فعالیت هایی انجام داده است.

- سازمان بین المللی هواپیمایی غیر نظامی،^۲ همکاری هایی با سازمان جهانی



۱. برنامه زیست محیطی سازمان ملل (United Nations Environment Programme) در سال

۱۹۷۲ پس از کنفرانس محیط زیست انسانی سازمان ملل (کنفرانس استکهلم) ... توسط موریس استرانگ، تاجر و نیکوکار کانادایی ... تأسیس شد. وظیفه آن طیف گسترده ای از مناطق را شامل می شود؛ از جمله: جو، اکوسیستم های دریایی و زمینی، حاکمیت زیست محیطی و توسعه اقتصادی سبز. فعالیت های UNEP، توافق نامه های بین المللی زیست محیطی را نیز در بر می گیرد؛ مانند: ترویج علم و اطلاعات زیست محیطی، کار با ذی نفعان دولتی و خصوصی برای تهیه و اجرای سیاست.

UNEP، به عنوان عضوی از گروه توسعه سازمان ملل متحد، قصد دارد به جهانیان در رسیدن به هفده هدف

توسعه پایدار کمک کند و در چند دهه گذشته به طور فزاینده ای بر تغییر آب و هوا تمرکز کرده است. بودجه محیط زیست سازمان ملل متحد به عنوان برنامه سازمان ملل متحد فقط از طریق کمک های داوطلبانه تأمین می شود.

۲. سازمان بین المللی هواپیمایی غیر نظامی (International Civil Aviation Organization)،

آژانس تخصصی سازمان ملل است که برنامه ریزی و توسعه حمل و نقل هوایی بین المللی را برای اطمینان از رشد ایمن و منظم در دستور کار دارد. دفتر مرکزی آن در کانادا واقع شده است.

این سازمان استانداردها و روش های پیشنهادی مربوط به ناوبری هوایی، زیرساخت های آن، بازرسی پرواز، جلوگیری از تداخل غیر قانونی و تسهیل مراحل عبور از مرز را برای هوانوردی بین المللی تصویب می کند.

گردشگری در خصوص حمل و نقل، امکانات مربوط به حمل و نقل و استانداردها و پروتکل های حمل و نقل مسافران - به ویژه زائران - داشته است. نهادهای دیگر ملل متحد نیز می توانند صلاحیت ضمنی در زمینه گردشگری داشته باشند.

۲. سازمان های بین المللی منطقه ای یا غیر جهانی

سازمان کنفرانس اسلامی تنها مصداق از این نوع سازمان هاست که مناسب بررسی حقوق گردشگران است.

۳. مجامع غیر دولتی

این نوع از مجامعی که درباره حقوق گردشگر فعالیت می کند، بسیار محدود است. دو مورد از این سازمان ها عبارتند از:

مجمع جهانی کلیساها^۱ که هرچند به صورت مشخص در حوزه گردشگری مذهبی

ایکائو پروتکل هایی را برای تحقیق در مورد سوانح هوایی تعریف می کند.

۱. شورای جهانی کلیساها (WCC) به موضوع اتحاد مسیحی توجهی خاص دارد و خود را چنین تعریف می کند: «شورای کلیساهایی که معترفند خداوندمان عیسی مسیح، خدا و نجات دهنده است». (درآمدی بر الاهیات مسیحی، الیستر مک گراث، ص ۵۴۲، ترجمه عیسی دیباج، نشر کتاب روشن، ۱۳۸۵)

شورای جهانی کلیساها یک سازمان بین کلیسایی مسیحی در سراسر جهان است که سال ۱۹۴۸ تأسیس



فعالیت نمی‌کند، ولی وظایفی در این زمینه دارد. یکی از بحث‌هایی که در مجمع جهانی کلیساها صورت می‌گیرد، جذب گردشگر مذهبی (اعم از مسلمانان یا غیر مسلمانان) مؤسسه بین‌المللی صلح از طریق گردشگری^۱ که شعارش این است: «هر گردشگر باید یک سفیر صلح باشد».

وظایف سازمان‌ها و مجامع حقوق گردشگری

وظایف و اهداف متعددی در اساسنامه سازمان جهانی گردشگری بیان شده که برخی از آنها با اهداف گردشگری مذهبی و حقوق زائران همپوشانی بالایی دارد؛ مانند کد جهانی اخلاق گردشگری که پیش‌نویسی معروف به پیش‌نویس کنوانسیون جهانی گردشگری دارد. خیلی از مسائلی که در این کد آورده شده، با مسئله کدهای اخلاقی گردشگری مذهبی، همسو است.

گردشگری یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های اقتصادی در دنیاست و مانند هر فعالیت

شد و دفتر مرکزی ندارد؛ اما مرکز اداری آن در ژنو است. اعضای این سازمان ادعا می‌کنند بیش از پانصد میلیون نفر را در بیش از ۱۱۰ کشور در سراسر جهان نمایندگی می‌کنند.

۱. (International Institute for Peace through Tourism (IIPT)

دیگری آثار مثبت و منفی بسیاری دارد که به منظور تداوم حیات خود، باید آثار منفی را به حداقل، و آثار مثبت را به حداکثر برساند تا حداکثر سود و منفعت به دست آید. در این میان توسعه عنان گسیخته گردشگری در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ که بدون توجه به اصول پایداری و احترام به محیط (اعم از طبیعی و انسانی) انجام گرفته بود، سبب شد به تدریج سیاستگذاران گردشگری در سطوح محلی، ملی و بین المللی در پی یافتن راهکارهایی برای کاستن از اثرات منفی گردشگری بيفتند. در نتیجه سازمان جهانی گردشگری، به عنوان بزرگ ترین نهاد بین المللی گردشگری در دنیا، کدهای اخلاق گردشگری را در دستور کار خود قرار داد.



در سال ۱۹۹۹، با هدف ارتقای مسئولیت پذیری و پایداری در گردشگری، کمیته کد اخلاق گردشگری در سازمان جهانی گردشگری آغاز به کار کرد و به عنوان یکی از کمیته های فعال این سازمان، ادبیات اخلاقی را بیش از پیش در گردشگری دنیا ترویج داد.

کد (دستورالعمل) جهانی اخلاق در گردشگری (GCET)، مجموعه ای از آداب و شیوه های مهم فراگیری است که با هدف هدایت سرمایه گذاران و متولیان در توسعه

گردشگری تدوین شده است و در ارتباط با مصالح جهانی ای - مانند تجارت مشروع، تأمین امنیت و آسایش، توسعه اجتماعی و مسائل بشردوستانه - است که هم بر کشورهای گردشگری پذیر و هم گردشگرفرست تأثیر می گذارد.

فراخوان رسمی برای تصویب یک نظامنامه اخلاقی در قطعنامه نشست سازمان

جهانی گردشگری در استانبول مورد تصویب قرار گرفت. پس از گذشت دو سال، کمیته ویژه ای برای نظامنامه جهانی اخلاق تشکیل شد و سند پیش نویسی توسط دبیر کل با مشورت کارشناسان حقوقی و شورای تجاری سازمان تهیه گردید. نشست توسعه پایدار کمیسیون ملل متحد نیز سال ۱۹۹۹ در نیویورک مفهوم کدها را مورد تأیید قرار داد و در آن از سازمان جهانی گردشگری خواست تا اطلاعات بیشتری از تشکلهای غیر دولتی، سازمانهای کارگری و بخش خصوصی به دست آورد. در پی آن، نظرات مکتوب بالغ بر هفتاد کشور عضو UNWTO به این سازمان ارسال و از آن، موارد دهگانه کد جهانی اخلاق گردشگری استخراج شد. سپس در اکتبر ۱۹۹۹ در نشست مجمع عمومی سازمان جهانی گردشگری در سانتیاگو شیلی، به اتفاق آرا، به تصویب رسید. شورای اجتماعی و اقتصادی ملل متحد (ECSOC) نیز به منظور آشنا کردن



بیشتر دنیا با این کدها و نیز تشویق سازمان جهانی گردشگری در خصوص عملکردی اثربخش تر در خصوص کدها، آن را به صورت پیش نویس قطعنامه ای در مجمع عمومی سازمان ملل متحد مطرح کرد و به شماره A/RES/۵۶/۲۱۲ به ثبت رساند.

کدهای جهانی اخلاق گردشگری در ده ماده به تصویب رسیده است که به صورت

فهرستوار عبارت اند از:

۱. شناخت متقابل و احترام بین مردم و جوامع؛
۲. گردشگری به عنوان وسیله ای برای شکوفایی انفرادی و اجتماعی؛
۳. گردشگری به عنوان یکی از عوامل توسعه پایدار؛
۴. جایگاه میراث فرهنگی در گردشگری و نکات مورد توجه در بهبود آن؛
۵. گردشگری به عنوان یک فعالیت سودمند برای کشورهای میزبان و جوامع محلی؛
۶. تعهدات گروه های ذی نفع در توسعه گردشگری؛
۷. حقوق گردشگران؛
۸. آزادی گردشگران در جابه جایی؛
۹. حقوق کارکنان و کارآفرینان در صنعت گردشگری؛



۱۰. اجرای اصول قوانین اخلاقی جهانی برای گردشگری.

همچنین بر اساس کدهای دهگانه گردشگری، اصول هشتگانه مسافر و گردشگر مسئول هم طی قطعنامه‌ای در مجمع عمومی سازمان جهانی گردشگری در سال ۲۰۰۵ به تصویب رسید. در این بیانیه، گردشگری به عنوان ابزاری برای تکامل فردی و اجتماعی معرفی شده و در آن آمده است که گردشگری عاملی غیر قابل جایگزین در زمینه خودآموزی، ارتباطات دوجانبه و درک اختلافات موجود میان افراد است.^۱ می‌توان از این قواعد برای تدوین یک کد جهانی اخلاق گردشگری مذهبی استفاده کرد. گاهی کدهای اخلاقی گردشگری بین زوار خیلی مهم است که باید بین زائران و همچنین افراد کشور پذیرنده زائر رعایت شود.

سازمان جهانی گردشگری، کد اخلاقی گردشگری تعریف کرده است؛ ولی ما این مسئله را در سیستم خودمان نداریم. این کمبودها به نهادسازی برمی‌گردد.

۱. برای مطالعه بیشتر در مورد کدهای اخلاقی گردشگری ر.ک: پونه ترابیان و علی مستولی‌زاده، «بررسی نقش اخلاق و کدهای اخلاقی در بهینه‌سازی رفتار ذی‌نفعان در مدیریت و توسعه پایدار گردشگری»، ص ۲۸۰ - ۲۸۲، مجموعه مقالات سمینار تغییرات محیطی توسعه گردشگری و کاهش فقر، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۷؛ منوچهر جهانیان و ابتهال زندی، اکوتوریسم، ص ۷۱، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۰؛ شمس‌السادات زاهدی، مبانی توریسم و اکوتوریسم پایدار، ص ۳۹، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۵.



کاستی‌های حقوق گردشگری مذهبی در سطح مجامع بین‌المللی

۱. مجمع حقوقی منطقه‌ای (لااقل در بحث گردشگری مذهبی)

بر این اساس خوب است دست‌اندرکاران وزارت خارجه یا سازمان حج، یک سازمان منطقه‌ای گردشگری اسلام با عنوان *islamic world tourism organization* (سازمان جهانگردی جهان اسلام) تأسیس کنند. این‌گونه سازمان‌ها و نهادها می‌توانند اقدامات مورد نظر حقوق گردشگری مذهبی را انجام دهند یا شفاف سازند. احساس نیاز به این سازمان‌ها در سال‌های اخیر که گردشگری توسعه پیدا کرده، بیشتر شده است. پس از فاجعه منا پیشنهادهایی در مورد مدیریت بین‌المللی حج، به طور جدی، مطرح شد. برای اجرایی شدن این پیشنهاد، سازمان‌های منطقه‌ای گزینه مناسبی است؛ البته اگر از ابزارهای حقوق بین‌الملل استفاده شود؛ زیرا در مورد مدیریت بین‌المللی حج (به آن معنا که اختیارش از دست دولت عربستان خارج شود)، قطعاً مقاومت‌های حاکمیتی وجود دارد؛ اما سازمان‌های بین‌المللی می‌توانند خیلی نرم‌تر این کار را انجام بدهند.



۲. اسناد و قواعد منطقه‌ای در مورد حقوق زوار

پیشنهادی که برای این فقدان وجود دارد، تدوین یک کنوانسیون منطقه‌ای - گردشگری - مذهبی است. اگر ایجاد این کنوانسیون دشوار است، حداقل بین کشورها اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و اسناد نرم تولید شود؛ شبیه همان کاری که در قالب پیش‌نویس کنوانسیون جهانی گردشگری یا کد اخلاقی گردشگری دیده می‌شود.

یکی از بحث‌هایی که در فاجعه منا و در دیگر موارد مطرح بود و هست، قلمرو این حقوق است. دولت‌ها می‌توانند با مذاکره، قلمرو این حقوق را مشخص، و به سندی جامع دسترسی پیدا کنند.

۳. نهادهای منطقه‌ای در زمینه سیاستگذاری و اجرای مراسم مذهبی

نمونه‌های عالی این نهادها را می‌توان در مراسم اربعین مشاهده کرد. به نظر می‌رسد می‌توان این نهادها را در قالب اسناد منطقه‌ای هم آورد و به عنوان یک سند جامع گردشگری، تعهدات دولت‌ها را مشخص کرد.



۴. استانداردهای مربوط به گردشگری مذهبی

ترویج، بیان، ایجاد یا توسعه استانداردهای مربوط به گردشگری مذهبی، زمینه‌های تسهیل گردشگری مذهبی را فراهم می‌کنند. متأسفانه گاهی در مورد کشورهای اسلامی، به دلایل مختلف سیاسی یا قومی - قبیله‌ای، مسائلی را مطرح می‌کنند که از لحاظ حقوقی جای تأمل دارد.

طبق آمارها وضعیت ایران از لحاظ استانداردهای گردشگری (حتی استانداردهای جزئی)، خیلی مناسب نیست. متأسفانه ایران با امتیاز ۵٫۶ از ۱۰، در کشورهای اسلامی از لحاظ استانداردهای رفتاری گردشگری مذهبی، در رتبه ۲۰ قرار گرفته است.

مصر، امارات، ترکیه و عربستان به ترتیب در رده‌های دوم تا پنجم قرار دارند. برخی فاکتورهای این آمارها عبارت‌اند از: دسترسی به غذای حلال، مکان مناسب برای نماز خواندن و برخورد مناسب افراد آن کشور با آن فرد که مربوط به کدهای اخلاقی جهانی می‌شود.^۱

طبق این آمار، سال ۲۰۱۵ مالزی با امتیاز ۸٫۳ و ۱۰ در بین کشورهای اسلامی،

1. <https://www.irna.ir/news/81528216>.



بالاترین امتیاز را دارد. این کشور با فضای امن، رستوران‌های حلال باکیفیت، اقامتگاه‌های مناسب، برخورد خوب ساکنان محلی با گردشگران، محیط‌های خانوادگی عالی و درک خوب نسبت به جنبه‌های مذهبی و فرهنگی اسلام، از مقصدهای مهم گردشگری اسلامی محسوب می‌شود.

بیش از شصت درصد جمعیت مالزی را مسلمانان تشکیل می‌دهند. این کشور از مقاصد اصلی جذب گردشگران حلال در جهان محسوب می‌شود. مالزی برای گردشگران مسلمانی که از کشورهای آسیای جنوب شرقی دیدن می‌کنند، تسهیلات خوبی فراهم می‌کند.

این کشور در مورد گردشگری غذا، اقامت و همین‌طور چندفرهنگی بودن و چندنژادی بودن، شهرت زیادی دارد. میراث تاریخی و فرهنگی غنی مالزی، در کنار تخصص آن در صنایع حلال، موجب شده است که گردشگران ورودی به این کشور از سفر خود راضی باشند. علاوه بر آن، تفریحگاه‌های جزیره‌ای مالزی و مناظر بی‌نظیر آن به یک مقصد جذاب برای تعطیلات تبدیل شده‌اند. برخی از موارد دیگری که گردشگران را به مالزی جذب می‌کند، جشن‌های سالانه گروهی و متنوع، معماری‌های سنتی، صنایع دستی



خاص و همچنین زیبایی طبیعی خارق العاده این کشور است.

امارات با سرمایه‌گذاری‌های سنگین در زمینه صنعت گردشگری، به دنبال کسب جایگاه رده بالا در گردشگری اسلامی است. این کشور بالاترین امتیاز را در امنیت و دسترسی به مسجد و نمازخانه دارد و در زمینه امکانات صرف غذا و تسهیلات ارتباطی نیز دارای شرایط بسیار خوبی است.

امارات یکی از فعال‌ترین بازارهای صنعت گردشگری اسلامی است. این کشور در سال‌های گذشته به یکی از مقاصد پیشرو در گردشگری حلال تبدیل شده و به سرعت بسته‌های سفر در چارچوب باورها و اعتقادات اسلامی را گسترده‌تر کرده است.

ترکیه با اینکه لایبیک است، ولی از نظر استانداردهای گردشگری مذهبی رتبه بالایی دارد. این کشور نیز علاوه بر فضای امن گردشگری، فراوانی غذای حلال و اقامتگاه‌های مناسب برای مسلمانان، با تکیه بر پیشینه فرهنگی قوی مقصد بسیار مناسبی برای گردشگران مسلمان به شمار می‌آید.

ترکیه از اولین کشورهای است که خدمات ویژه برای گردشگری اسلامی (گردشگری حلال) ارائه می‌کند؛ برای مثال می‌توان به شرکت خدمات گردشگری فیوژن



تور (Fusion Tour) در استانبول اشاره کرد که تور دریایی اسلامی راه اندازی کرده است. در این تور، همه موارد خلاف شرع اسلام - از جمله نوشیدنی های الکلی، غذاهای دارای گوشت خوک و قمار - از فهرست خدمات قایق های تفریحی حذف می شوند و در انتخاب و طراحی همه جنبه های آن - نظیر اپلیکیشن های مسافرتی، وبسایت ها، هتل ها، پروازها و حتی انتخاب راهنمای تور - عقاید مسلمانان در نظر گرفته می شود. این کشور مقصدی بی نظیر از لحاظ ترکیبی از غذاهای لذیذ، میراث فرهنگی باشکوه و باقی مانده های شکوهمند بسیاری از امپراتوری های گسترده و سپری شده گذشته است. علاوه بر این موارد، نوع نگاه و احساس اروپایی و فرهنگ سنتی ترکیه موجب می شود مسافران بسیاری جذب آن شوند.

گردشگری اسلامی، ۱۱.۶ درصد از کل بازار صنعت گردشگری جهانی را در اختیار دارد. ۵۵ کشور جهان را کشورهای اسلامی تشکیل می دهند که بیشتر آنها در خاورمیانه و قاره آفریقا قرار دارند. این در حالی است که عمده کشورهای اسلامی نظیر مصر، ایران، لبنان، مالزی، تونس، اندونزی و مراکش در ردیف سرزمین های پرجاذبه هستند و جاذبه های مورد توجه گردشگران را دارند.



سازمان جهانی گردشگری در گزارش سالانه خود، کشورهای عربستان، مصر و مراکش را در رتبه های نخست در جذب گردشگر خارجی در میان کشورهای عربی منطقه معرفی کرد.

به گزارش گروه تحقیقاتی مشترک وبسایت CrescentRating و مؤسسه اقتصادی MasterCard، جریان مالی صنعت گردشگری اسلامی حدود ۱۵۰ میلیارد دلار است و پیش بینی می شود این رقم در سال ۲۰۲۰ به دویست میلیارد دلار برسد.










دکتر علی مهدی







امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران و پژوهشکده حج و زیارت برگزار می کنند:

شست علم:

نگاهی به موازین و رویه های جاری برای حمایت از
حقوق زائران / گردشگران مذهبی در سطح جهانی؛
راهبردها و راهکارهای قابل بهره برداری در جهان اسلام

سخنرانان:

دکتر علی مشبهدی
عضو هیئت علمی دانشگاه قم
دکتر محسن قائمی خرقی
مدرس حوزه و دانشگاه
دکتر سید حسام الدین لسانی
عضو هیئت علمی دانشگاه حضرت معصومه (س)

مکان: دفتر کمیسیون حقوق بشر اسلامی در قم
(مطابق ۲۸ لغوی اردیبهشت ۱۳۹۸)

چهارشنبه ۹۸/۱۱/۱۶
۱۲ ۵ ۱۰

